

مجلس دیگر نمیتواند بودجه را تصویب بکند اینک نوشته شده است در بودجه وزارت جنگ تصویب خواهد شد یعنی مجلس تصویب خواهد کرد مطلبی واضح است و تصریح لازم ندارد.

**نظام السلطان** - بنده گمان میکنم اعتراض آقای حاج عزالممالک وارد است چیزی هم از این ماده کسر نخواهد کرد.

**رئیس** - رای میگیریم بنده یازدهم **حاج عزالممالک** - بنده پیشنهادی دارم.

**رئیس** - این پیشنهاد ها را ممکن است زودتر بدمید (ماده دوازدهم قرائت میشود) تائیدشاد ایشان برسد.

(بعضیون ذیل قرائت شد) ماده دوازدهم - حقوق محلی افواج دستجاتیکه حاضر خدمت هستند برای مدتی که تحت صلاح میباشند از حقوق بازنشسته آنها کسر خواهد شد.

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - بنده اولاً عرض می کنم تغییر حقوق چه در این ماده و چه در سایر مواد قابل تذکر است بواسطه اینکه درازاه این خدمت بزرگ حقوق افراد قشون نیکامی و سعادت است نه این جزئی جزوقی الحقیقه این حقوق مدد معاش و کمک خرج است و شاید نتوانستیم اسبش را حقوق بکنیم خوبت تغییر مدد معاش و کمک خرج بکنیم دیگر اینکه نوشته شده است حقوق محلی کسر خواهد شد عرض میکنم این مقرری که سابق بوده است یک مقرری فوق العاده که مأمور زندگانی آنها وفا کند و آنها بفراغت مشغول خدمت باشند نه بوده لهندا گمان میکنم عوض کسر خواهد شد کسر نخواهد شد باهم نوشته شود چون مسئله تقاضای بر زبادتس بر مقرری قانونی نیست بلکه تقاضای بر زبادتس معمول سابق است و گمانم این است این تقاضا هم بجا باشد.

**معاون وزارت جنگ** - از این پیشنهاد آقای شیخ محمد حسن گروسی نماینده معتمد گروس بنام سر باز تشکر میکنم ولی اینکه میفهماند خوبست نوشته شود کسر نمی شود این وقتی است که مثل قدیم حقوق سر باز در ماه هفت هزار و ده شاهی باشد ولی حالا که در ماه حساب کنیم در موهذیکه در سر خدمت هستند بعد از وضع لباس و سایر لوازم آنچه که به سر باز میرسد چهار تومان و نیم است و گمان می کنم این کسری جزئی کوچکی خواهد بود که معاش سر باز صدمه وارد بیاورد منتها آن سر بازیکه در خانه خودش استراحت میکند آن حقوق محلی را بنام سر باز میگردد ولی چون در موقعیکه سر خدمت هست حق کافی میگیرد دیگر حقوق محلی بنام سر باز نمیدهند پیشنهادی که حقوق محلی بخشانه او داده میشود حقوقی که در رنگاب یعنی سر زیر بیرق باو میدهند کسر نمی کنند.

**رئیس** - رای میگیریم بنده دوازدهم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند.

**رئیس** - (تصویب شد) اصلاح آقای حاج - عزالممالک که راجع بنده یازدهم پیشنهاد کرده اند قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده یازدهم - هر يك از نفرت و دستجات قشونی مطابق مرتبائی که در بودجه وزارت جنگ از تصویب مجلس شورای ملی خواهد گذشت حقوق محلی داده میشود.

**رئیس** - این اصلاح را قبول دارند آقای مخبر **مخبر** - بله چون اصلاح عبارتی است ضروری ندارد.

**رئیس** بسیار خوب رای میگیریم آقایانیکه ماده یازدهم را باین ترتیب تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۱ تصویب و ماده ۱۳ بعضیون ذیل قرائت شد).

ماده ۱۳ - افراد قشون اهم از حاضر خدمت و مرخص خانه از مالیات سرانه معاف و عوارض از اسب سوار نظام مطالبه نخواهد شد.

**رئیس** - مخالفی نیست اظهاری نشد رای میگیریم بنده ۱۳ آقایانیکه ماده ۱۳ را تصویب میکنند قیام نمایند (عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۴ بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۴ - خانواری (مستمری) یا تغذیف محلی را موافق معمول سابق مالکین و رعایا و ایالات سابق دستور وزارت جنگ با آحاد افراده قشون مستقیماً تأدیبه خواهند کرد.

**رئیس** - ماده ۱۳ را مسجداً باید رای بگیریم چون وقتی که رای گرفتیم عده کافی نبود در ماده ۱۴ مخالفی هست.

**آقا سید فاضل** - خواستم سؤال کنم که ممکن است آقای مخبر که بیسیون توضیح بدهند مقصود از کمک و معاونت معمول چیست.

**مخبر** - همانطوریکه در شور اول شرح مفصلي عرض شد نمیشود امروز وزارت جنگ آنرا معین کند بجهت اینکه فوج هر محلی يك مبلغی معین دارد که آن محل به فوج باسوار خودش در موقع حرکت و آمدن سر خدمت خواهد پرداخت ولی وزارت جنگ شروع کرده است که يك صورت صحیحی و يك ترتیب تساوی در این بودجه قرار بدهد ولی تا امروز نتوانسته است اینکار را بکند شاید بعدها يك صورت تساوی در این امر پیدا شود ولی تا بجا نرسیده است و فعلاً وزارت جنگ نمیتواند معین کند چه قدر است و هر فوجی يك مقدار معینی دارد.

**سر دار معظم** - آیا تصور میشود که این ماده مربوط بآن داده که کمیسیون رجوع شده باشد بجهت اینکه ممکن است بالاخره تصمیم کمیسیون این باشد که سر باز را خود الك بدهد و دولتی مداخله نکند و عقیده اش این باشد که خانواری در قانون اسم برده نشود بجهت اینکه در انصورت ممکن است مالکین يك اشخاصی را پیدا کنند که هیچ محتاج به خانواری نباشند این يك نظری است که حالا برا بنده پیدا شده است قابل دقت است و خوبست در این ماده در کمیسیون دقت شود چون اگر سر باز را دولت مستقیماً بگیرد باید قطعی خانواری او داده

شود زیرا ممکن است سر باز از يك اشخاص بیضاهتی واستطاعتی گرفته شود اما اگر مالکین محل سر باز را با شرایط یاداری بدهند گمان میکنم محتاج به خانواری نباشند و آنوقت این اسمی که از خانواری در قانون برده میشود يك تعمیم بی جایی بر مالکین خواهد بود.

**مخبر** - بنده گمان میکنم چه سر باز را مالک بدهد و چه دولت بگیرد این مسئله باید قید شود بجهت اینکه مابین رعیت و سرباز خودش قاطع است اگر این مسئله از مجلس بگذرد شاید فردا که يك سر بازی سر خدمت مبادی دو مقابل یا چهار مقابل مستمری سابقش را مطالبه کند یا اینکه مالک يك کسی را که از بستگان خودش است بخواهد اجباراً سر خدمت میفرستد و این اسباب زحمت خواهد شد بنابراین بنده تصور میکنم این ماده هیچ مربوط باین ماده نیست و باید در این ماده رای گرفته شود که خانواری سر باز همان طور که سابق معمول بوده سر باز نرسد.

**سر دار معظم** - بنده عرض نکردم که خانواری باید رد شود عرض کردم بماند تا در این ماده مطالبات ثانوی شود و برای اینکه گفته نشود خانواری يك چیزی است که ضمناً باید بر سر باز برسد عرض میکنم خانواری در تمام افواج مرسوم نیست و خود آقای سردار سعید هم میدانند در بعضی جاهها معمول است و در بعضی جاهها معمول نیست آنجاهائی که هست بقدری مختلف است که حد و وصف ندارد پس از این نقطه نظر نمیشود گفت ضمناً یکی از شرایط سر بازی خانواری است.

**رئیس** - رای میگیریم بنده ۱۴ آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد باشد در ماده ۱۳ تجدید رای شود آقایانیکه ماده ۱۳ را بر ترتیبی که قرائت شد تصویب میفرمایند قیام نمایند.

**رئیس** - تصویب شد ماده ۱۵ قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۵ - خرج سفر تا باین در موقع حاضر شدن مدرس خدمت که موسوم بکمک خرج است کافی سابق بر همه مالکین و اهالی محل است این ترتیب که از محل سکونت تا باین تاسر کرا اجتماع فوج یادسته سوار و توپچی که وزارت جنگ معین مینماید هر منزلی که در قران بنابین پیاده و توپچی و چهار قران سوار تأدیبه نمایند ولی افواجی که خانواری نداشته کافی سابق در موقع حرکت کمک و معاونت معمول را از صاحبان بنیچه در ساقط می نمایند.

**حاج عزالممالک** - بنده در مواد سابق راجع به خانواری موافقت داشتم و رای دادم ولی این يك ماده را بیک قدری ژانده میدانم برای اینکه اولاً بکمیته جز میهمی در این ماده است دادن این مالیات (که مرکز اجتماع فوج یا دسته را که وزارت جنگ معین میکند) اگر مقصود مرکز خود آن فوج باشد باید تصریح شود و الا يك تعمیم فوق العاده بر مالکین میشود که بگویند فوج بیکولایت دو راست که بطهران مینماید منزلی فلان مبلغ باو بدهند و اگر این نظر راجع نماند با این ماده پیشنهاد نمی شود

استفاده کرد و يك تعمیم فوق العاده خواهد شد باید تصریح شود (تا مرکز آن نقطه که آن فوج را بدهند) که اسباب اشکال نشود مثلاً اگر فوج عراق طهران نیست سلطان آباد است و يك همچو تصریحی در این لازم است تا باین مبلغی را که بطور تصریح دو قران و چهار قران معین میکنند بنده تصور میکنم باین واضعی تا بجا معمول نبوده است ولی چنانکه در ماده قبل رای دادیم خانواری متفاوت معمول بوده است و در هر فوجی بطور مختلف دو تومان و سه تومان ده تومان یا بیشتر معمول بوده و ما هم رای دادیم که همان را بسرباز بدهند ولی چون این مسئله يك چیز واضعی نیست تصور میکنم نمیشود رای داد.

**معاون وزارت جنگ** - این قانون مرکز اجتماع سر باز را معین میکند چون وزارت جنگ در تشکیلات قشونی برای هر فوجی يك مرکز اجتماعی و برای هر رژیمن يك مرکز اجتماعی و برای هر بریکادی يك مرکز اجتماعی معین میکنند و کتابچه های تشکیلات چاپ میشود و تمام اهالی مالکین خواهند دانست چون بایستی این سر باز در مرکز رژیمن خودش جمع شود و از خانه خودش با مرکز رژیمن يك منزل یا در منزل خواهد بود اینست که در اینجا ذکر شده است منزلی دو قران و چهار قران بدهند که سر باز زیر بیرق برسد و بعد از آنکه زیر بیرق رفت نوکر دولت است و حقوق میگیرد و بجاهائی که مأمور است خواهد رفت و گمان نمیکنم در این ماده يك محل تردیدی باشد مثلاً از مالکین سر باز آذربایجان مأمور کلات میشود خدمت منزل است منزلی دو قران مطالبه نخواهد کرد فقط این مبلغ راجع بآن دو سه منزلی که از سر باز تا محل اجتماع فوج است خواهد بود.

**حاج شیخ حبیب الله** - در اینجا در اصل ماده میفرماید خرج سفر تا باین در موقع حاضر شدن سر خدمت به بعضی دو قران و به بعضی چهار قران داده میشود ولی در آخر ماده میفرمایند افواجی که خانواری ندارند کافی سابق در موقع حرکت کمک معمولی را از صاحبان بنیچه دریافت مینمایند این کمک خرج دخلی به خانواری ندارد سر باز چه در موقع مسافرت و حرکت باشد و چه از خانه باشد خانواری خودش را میگیرد و این وجهی را که حالا دریافت مینماید غیر از عنوان خانواری است خوبست چنانچه در مورد اصل دو قران چهار قران معین شده است در مورد آخر هم معین شود که چه قدر باید داده شود و الا اسباب زحمت رعا یا خواهد شد و يك مبلغ معتمد بهی یا غیر معتمد بهی از بعضی گرفته و از بعضی گرفته نخواهد شد پس هم چنانکه در مورد اصل دو قران و چهار قران معین شده است خوبست در آخر هم معین شود.

**مخبر** - بنده مجبورم دو باره شروع کنم بآن توضیحاتی که در شور اول داده شده عرض کردم خانواری یا مستمری آن نقد یا جنس را میگویند که همه ساله مالک سر باز خودش را هم از اینکه مسافر باشد با مسوطن خانه میبرد ولی در بعضی افواج این عادت نیست یعنی اگر چندین سال هم در محل و خانه خودشان نمانند از طرف مالکین چیزی بآنها داده نمی شود فقط در موقع حرکت مالکین يك مبلغی بعنوان معاونت و کمک خرج بآنها

میدهند و آنها را سر خدمت میفرستند این جا پیش بینی شده است که اگر خرج سفر همانطوریکه نوشته شده دو قران برای پیاده و چهار قران برای سوار در موقع حاضر شدن زیر بیرق داده شود شاید مالکین مستمری سالیانه را ندهند و از این ماده استفاده کرده و بگویند تا زیر بیرق سه منزل است و بساید به سر بازی سه دو قران شش قران داده شود در صورتیکه این سر باز دو سال با سه سال در خانه بوده است چیزی نگرفته است و در مقابل آن سر بازی که خانواری داشته مبالغی گرفته است این از برای پیش بینی این مسئله میشود که مالکین استفاده بکنند و يك ضرر فاحش به سر باز هائی که مستمری ندارند وارد بیاید بنابراین کمیسیون علاوه کرده که آن معاونت و کمک خرج هائیکه سابقاً معمول بود و سر باز هائیکه مستمری نداشته داده میشد که اکان داده شود و گمان نمیکنم در اینجا هیچ جای ایرادی باشد.

**رئیس** - رای میگیریم بنده یازدهم آقایانی که ماده یازدهم را تصویب میکنند قیام فرمایند.

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده شانزدهم قرائت میشود (بعضیون قرائت شد)

ماده ۱۶ - نظامنامه های راجعه باین قانون وزیر جنگ تهیه کرده بوجه فرمان اهل حضرت معالیون بموقع اجراء میگذازد.

**رئیس** - در این ماده مخالفی نیست رای میگیریم آقایانیکه ماده ۱۶ را تصویب میکنند قیام نمایند.

(عده کثیری قیام نمودند ماده ۱۷ بعضیون ذیل قرائت شد)

ماده ۱۷ - وزیر جنگ مأمور اجرای این قانون است.

**رئیس** - در این ماده هم ایرادی نیست آقایانی که ماده ۱۷ را تصویب مینمایند قیام فرمایند.

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد ماده دوم موافق را بپورت جدید کمیسیون ۱۱۷ قرائت میشود.

(بعضیون ذیل قرائت شد)

و برای اینکه مخالف با آن ماده نشود مجبوریم (حتی الامکان) در این جا بکنجانبم که اگر از آن ده خراب سر باز نگیریم از محل دیگر گرفته شود **نظام السلطان** - در کمیسیون هم بنده تا این (حتی الامکان) مخالف بودم باز هم مخالفم و عقیده ام این است که در صورتیکه آن ماده هم که بکمیسیون برگشته تصویب شود باز این حتی الامکان لازم است **مخبر** - گمان میکنم کله حتی الامکان لازم باشد بجهت اینکه بقدرت تعیین خواهد کرد و برای اینکه در موقع وزارت جنگ با نظر وزارت مالیه میتواند از محل های دیگر سر باز های دهات خراب را عوض بگیرد کله حتی الامکان لازم است.

**رئیس** - رای میگیریم بنده دوم ترتیبی که از کمیسیون پیشنهاد شده است آقایانیکه ماده دوم را باین ترتیب قبول میکنند قیام نمایند.

(غالب قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد فقط بکمیته از این قانون مانده است و این ماده هم است که باید از کمیسیون برگردد ولی بگیریم يك ماده الحاقیه هم خود آقای مخبر پیشنهاد کردند ولی گمان میکنم این ماده که بکمیسیون میروند آن ماده الحاقیه خودتان را هم پیشنهاد کند.

**مخبر** - بله همینطور است که میفرمایند **رئیس** - چون امشب چراغ نداریم مجلس را زودتر باید ختم کنیم.

**محل الدوله** - البته نظر آقایان هست که در جلسه گذشته راجع بکار نظمی و کتبات رئیس نظمی مذاکراتی شد و دو نفر آقایان نواب رئیس مأمور شدند که بروند در هیئت رئیسه وزراء آقای رئیس الوزراء مذاکره کنند و ترتیب اینکار را بدهند بنده میخواستم عرض کنم که در صورتیکه رفته اند مذاکره کرده اند بفرمایند چه اقداماتی کرده اند و چه نتیجه گرفته اند.

**عادل الملک** - بر حسب فراردادی که آنتب در مجلس شد آقای رئیس الوزراء ملاقات کردیم و ایشان فرمودند خیلی میل دارم نتیجه را بجای جواب بگویم در روز سلام اظهار فرمودند با سیوس و ستدهال مذاکره کرده ام و هر چه کردم نتوانستم ایشانرا قانع کنم که از کتبات خودشان صرف نظر کند حتی فرمودند در اینباب هر اندازه ممکن بود اصرار کردم که شاید کتباتش را تبدیل بأول بهار کند شد در جواب گفت نمیتوانم کتباتم را تغییر بدهم لوازم مسافرت خود را تهیه دیده ام و باید بروم ولی کتبات اونچید بد خواهد شد.

**رئیس** - آقای طباطبائی هم راجع به همین مطلب فرمایشی دارند.

**طباطبائی** - بله يك نکته ای است که میخواهم عرض کنم مطلب همانطور است که آقای عادل الملک بیان کردند ولی اطلاعی که امروز بنده تحصیل کرده ام این است مسیو وستدهال قبول کرده است تا بعد از عده عاشر تا توقف کند که هم کتباتش در این دو هفته تجدید شود و هم این ایام را توقف داشته باشند.

**آقای سید فاضل** - بنده خیلی تأسف دارم از اینکه اوقات مجلس که واقفم باید صرف امور مهمه مملکتی بشود برای معاشات عوامی از قبیل نان

باید صرف شود اولاً در مرضی که راجع بدان طهران میجویم بکنم تقدیر بر احدی نیست و مکرر در مجلس مذاکره شده است که نان طهران بسیار بد است و همه مردم از آن شکایت دارند و انبار دولتی هم که همیشه میزان نرخ گندم و جو را نگاه میدارد و باید همیشه چهل و پنج یا پنجاه هزار خوراک جنس در آن موجود باشد از قراریکه تحقیق کرده ام بیشتر از پنجاه هزار خوراک موجود نیست آنرا هم همه روزه از قرار خوراک ده تومان و نیم خبازها میرند که میزان نرخ میدان را نگاه دارند و باز از قراریکه تحقیق کرده ام این جنس را که به همین میزان بپزاشد ما میدهند آنها میگیرند و میرند احتکار میکنند و با اینکه حالا هوا و راهها خیلی خوبست و دولت در زمان و ساوه و عراق جنس دارد باز اوضاع این است که دیده میشود اینست که بنده خاطر نشان نماینده گان و پیشهاد هیئت رئیسه میکنم که جداً یک ترتیبی که واقعاً اصلی باشد در باب نان طهران اتخاذ کند و از دولت بخواهند بجهت اینکه اگر اینطور باشد همه روزه بدتر میشود و اگر حالا یک ترتیب و چهاره جدی اتخاذ نکنند علاوه بر اینکه مسئله نان گاهی بعضی رنگهای دیگر هم پیدا میکنند پس فردا چهاره تقبلیات دیگر خواهیم شد.

**رئیس** - آقای حاج معین التجار راجع بدان است.

**حاج معین التجار** - خیر.

**رئیس** - پس چون عده کافی نیست تنفس داده میشود و بعد از آن من مذاکره میشود.

گفته شد چون در دستور چیزی نیست جلسه را ختم فرمائید.

**رئیس** - بسیار خوب چند فقره نقاضای مرخصی شده است میسازد برای جلسه آتی جلسه آتی در روزه شنبه دستور آن بقیه شروع در قانون سر باز گیری خواهد بود.

مجلس مقارن مغرب ختم شد.

**جلسه ۷۸**

**صورت مشروح مجلس روز سه شنبه بیست و هشتم شهر ذیحجه ۱۳۲۷**

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز شنبه بیستم قرائت شد.

غائبین با اجازه - آقایان .. عدل الملک .. سلیمان میرزا .. ادیب السلطنه .. میرزا محمد علیخان نماینده میدان ارباب کیخسرو ..

غائبین بدون اجازه - آقایان .. ناصر الاسلام صدر الملک .. صدر الملک - حاج شیخ محمد حسن یزدی - حاج سید اسماعیل قزوینی - دکتر لقمان محمدی - میرزا مریم شریعتدار ..

**رئیس** - در صورت مجلس ملاحظاتی هست یا نیست؟ ( اظهاری نشد ) چون ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد در جلسه قبل آقای حاج شیخ محمد حسن گروسی راجع به نطقی که روز سه شنبه کرده اند بیاناتی فرمودند چون بعضی از کلمات نطق ایشان را بعضی آقایان درست نشنیده بودند و اشتباهی حاصل شده بود این است که برای رفع شبهه مضمون نطق ایشان را بنده در اینجا تکرار میکنم مضمون نطق ایشان این بود که در ماده پنجم

قانون قشون گیری راجع بیکم از شرایط سر بازی دلائلی اقامه کرده و بواسطه سوء انتصاب مثل بیان مطلب مستحسن نشد از این باب ایشان اظهار تاسف کردند بنده لازم دیدم مضمون نطق ایشان را تکرار کنم تا اگر بعضی کلمات - آن شنیده نشده بود اشتباهی حاصل شده است رفع شبهه بشود دستور امروز بقیه شود درم قانون قشون گیری است در ماده پنجم که بکمیسیون ارجاع شده بود و یک ماده الحاقیه که خود آقای مخبر پیشهاد کرده بودند و کمیسیون تصویب نموده است باینها اصرار کرات بشود ( ماده پنجم مضمون ذیل قرائت شد )

ماده پنجم تعیین افراد قشون هر معنی مطابق بنیچه بعمل خواهد آمد باین ترتیب که مأمورین سر بازی گیری و اشخاص یادار محل را که دارای شرایط سر بازی هستند حاضر میشوند و هر گاه عده ایشان مساوی عده لازم است تمام آن افراد مکلف بدخول در خدمت نظامی خواهند بود و اگر عده ایشان بیشتر باشد عده لازم باقره معین خواهد شد .

**آقای سید فاضل** - این ماده پنجم که پیشهاد شده باز از دو جهت نفس دارد یکی مسئله یاداری که بهمان حال سابق باقی مانده و ضابطی از برای یاداری معلوم نشده است و دیگری اینکه ( دارای شرایط ) که در اینجا نوشته شده باید تصریح شود که مطابق شرایط ماده پنجم خواهد بود والا بعضی شرایط هست که در نظامنامه وزارت جنگ نوشته میشود و مأمورین سر بازی گیری بخواهند موافق آن شرایط اخذ سر باز کنند و باین واسطه هر آرم دچار تضییق خواهند شد و تبصره هم در باب یاداری پیشهاد کرده ام تقدیم میکنم .

**حاج شیخ محمد حسن** - عرض میکنم راجع بتجدید یاداری نظر باینکه مصادیق مختلفی متکثره دارد ممکن است هر معنی نسبت بعمل دیگری در موردی یادار شمرده شود و در مورد دیگر جزو یادار محسوب نشود مثلا بعضی از دهات هم بتقدیر که یک کسی در اتمش در زمین باشد بدون اینکه آب یا ملکی داشته باشد او را یاداری میگویند و بعضی جاهای دیگر هست که اگر یک اندازه هم ملک داشته باشد یادار محسوب نمیشود پس این یادار مفهومی است از مفاهیم هرفه که اهالی هر معنی نسبت بخود آن محل یادار و غیر یادار را از هم تشخیص میدهند و لازم نیست آن را تجدید کنیم که اسباب اشکال بیشتر فراهم شود این یک مسئله است اما مسئله دیگر که اختیار بامورین وزارت جنگ داده شده است معقیده بنده نظر بماده اول این قانون که بتصویب مجلس رسید لازم است این اختیار داده شود بنده مضمون ماده اول را عرض میکنم و بعد از آن تطبیق میکنم که به بینم آیا مأمورین وزارت جنگ باید متصدی این امر باشد یا مالکین و اهل محل ماده اول بمنویسه که اساس قشون گیری دولت ایران بطرز بنیچه ( خدمت اجباری خصوصی است ) و معلوم است مراد از این ماده این است که دخول در دایره خدمت نظامی اجباری است یعنی نقطه مقابل قشون داوطلبی است که با اختیار خودشان داخل در خدمت میشوند پس وقتیکه دخول در دائره خدمت اجباری شد آیا در این صورت ممکن است بگوئیم اهالی مختار باشند اگر این فقره با ماده اول منافات ندارد چه عیب دارد بگوئیم اختیار با مالکین بنیچه و اهالی باشد ولی اگر ما اختیار را بمالکین تفهیم ممکن است ابتدائاً کسانی که و یک شخص بگوئیم فلان مبلغ

بستو میدهم که در موقع گرفتن سر باز حاضر شوی و تورا معرفی کنیم پس وقتی او را راضی و حاضر کنی دیگر ماده اول مصداق پیدا نمیکند و اگر بخواهیم اختیار بامالکین و اهالی بدیم معنی ایشان است که ماده اول را تصویب کرده ایم نسخ میکنیم پس اگر بخواهیم قانونی را که تصویب نموده ایم نسخ نکرده باشیم لازمه اش این است که مأمورین وزارت جنگ متصدی امر انتخاب سر باز باشند و در موردیکه انتخاب میکنند اگر عده آن بقدر کفاف بود آن عده مکلفند داخل در خدمت نظام شوند و اگر عده زیادت شد بقره معین میکنند .

**مدرس** - گمان میکنم بعد از آن مذاکراتی که شد کمیسیون اصلاح خیلی خوبی پیشهاد کرد و الا اینکه آن دو جهت را که آقا اظهار داشتند لازماًست مراعات شود یکی این است که شرایط سر بازی گیری را باید معین کنند موافق شرایط ماده پنجم باشد تا ماده مجمل نباشد و یکی هم مسئله یادار باید معین شود و اینکه میگویند مصادیق مختلفی دارد بنده عرض میکنم چون مصادیق مختلفی دارد باید معین شود که اسباب زحمت مردم نشود اگر این دو جهت اشکال رفع شود گمان من این است این اصلاحی که شده است خیلی موافق با عمل است و زحمتش برای مردم خیلی کمتر است خوب است آقای مخبر قبول فرمائید و این دو فقره اصلاح بشود .

**مخبر** - با آن نظریات مختلفی که بین آقایان نمایندگان بود در دهم دوم که این ماده بکمیسیون برگشت باین ترتیب اصلاح شد و بنده گمان می کنم همینطوریکه بفرمائید این اصلاح بهترین صورتی است که نوشته اند و هر شکلی که نوشته میشد شاید اسباب گفتگو میشد اما در باب آن ایرادی که آقای مدرس فرمودند که باید موافق شرایط ماده پنجم باشد بنده گمان میکنم کمیسیون هم مخالفی نداشته باشد و همینطور نوشته خود چون موضوع کمیسیون هم از شرایط سر بازی همان شرایط ماده پنجم است و بنده این اصلاح را قبول میکنم اما در باب یاداری بنده و سایر رفقا هر چه زحمت کشیدیم نتوانستیم یک تعریفی و صورتی از برای آن پیدا کنیم بواسطه اینکه یاداری کلیتاً در هر ولایت و در هر محل و هر ده بلکه در هر خانواده مقادش تغییر میکنند مثلا در بعضی ایلات فقط بداشتن دوشتر که شاید در محل خودش یا نصف تومانی بیشتر قیمت نداشته باشد آدم را یادار میدانند و در محل دیگر شاید بداشتن یا نصف تومانی هم یادار نمی دانند چرا که خرجش زیادت از دخل است و در بعضی جاها هست که سر باز هیچ ندارد ولی یک جزئی زراعتی در زمین دارد و در موقع برداشتن خرمن یک محصولی خواهد داشت او را یادار فرض میکنند به این جهت هر چه ملاحظه و دقت در این موضوع شد نتوانستیم از برای یاداری یک تبصره و یک صورتی پیدا کنیم که کامل باشد و مجبور شدیم بنظر مأمورین سر بازی گیری واگذار کنیم که در هر معنی مطابق صرف آن محل یا داری و بی یاسی سر باز را معلوم کنند.

**حاج شیخ حبیب الله** - در آن پیشنهادی که سابقاً بنده کرده بودم مضمونش این بود که ماده

نهم این قسم نوشته شود ( تعیین افراد قشون هر معنی مطابق بنیچه از اشخاصیکه دارای شرایط ماده پنجم میباشد بمرعی اهالی محل بعمل خواهد آمد ) و در این پیشهاد تمام بودی که لازم بود و اسباب زحمت رعایا و بیچارگان میشد برداشته بودم حالا آقایان آمده اند و دو قید زیاد کرده اند بنده هر چه فکر میکنم علت این دو قید را نمی فهمم زیرا این قیدی که میکنند ( یادار باشد ) برای چیست ؟ بنده عرض میکنم یاداری را که خود نماینده دولت میگویند و رفقایم هر چه فکر کردیم نتوانستیم چه چیز است ما چطور میتوانیم یک همچو قانونی را بپاریم بفرستیم قانون برای خارج است این قانون را باید بخود ملت و رعایا داد که بدانند و بفهمند چطور شخصی قابل سر بازی است بعد از آنکه ما تقریباً بیست روز است فکر میکنیم و نمی فهمیم معنای یاداری را چطور در قانون بنویسیم . مردم چطور ملتقت خواهند شد ذکر الفاظ مجمله که در قانون صریح نیست بواسطه اینکه قانون از برای فهمیدن معنایش وضع میشود بعد از آنکه متناهیست معین و معین - معین نباشد و ندانند چه چیز است آن وقت این لفظ اسباب دخل کسانی که میخواهند دخل کنند خواهد شد و اسباب زحمت رعایا را فراهم خواهند آورد این یک مقدمه مقدمه دیگر این است که بنده عرض کردم بمرعی مالکین و اهالی محل سر بازی گرفته شود آقایان میفرمایند با اختیار مأمورین سر بازی گیری باشد بنده عرض میکنم دولت غیر از سر بازی دارای شرایط چیز دیگر که میخواهند بعد از آنکه دولت سر باز دارای شرایط میخواهد هر کس بیابرد بدهد فرق نمیکند دیگر چرا ما هم از برای دولت یک خرجی میترسیم و هم اسباب زحمت برای رعایا فراهم بیآوریم . موم است این ترتیب چه نتایج سونی هم از برای ملت و هم از برای دولت خواهد داشت بعضی آقایان فرمودند که قشون گیری ایران بطور اجباری خصوصی است مگر عرض کرده ام مرام ما این است که تمام عسکر دولت باشیم و هستیم چیزی که هست این است که بواسطه سوء رفتاری که با عده عسکر میشود مردم میل ندارند عسکر بشوند و اینکه میگویند مجبوری است نه اینکه تمام مردم را مجبور میکنند داخل در خدمت نظام شوند بلکه معنای مجبوری این است که نتشود کسی را بعنوان داوطلبی داخل در نظام کرد و باید بتوان اذن دولت داخل کرد و اینکه فرمودند تبتانی میشود عرض میکنم چه تبتانی میشود ؟ دولت غیر از سر بازی که دارای شرایط باشد چیز دیگری که میخواهد چه تبتانی بشود و چه نشود هیچ فرق نمیکند اینهم یک مقدمه دیگر اینست که فرمودند یک هیئتی از مأمورین دولت کسانی را که قابلیت دارند و دارای شرایط سر بازی هستند حاضر میکنند آن وقت قره میکنند عرض می کنم چه لازم کرده است که ما بتوان قره داخل این کار شویم زیرا ممکن است از ابتدای دولت اعلان بکنند که بقدر بنیچه سر باز میخواهیم آنوقت اهل محل خودشان مینمایند و اشخاصی را که دارای شرایط لازم هستند بدلت تسلیم می کنند و محتاج بقره نخواهد بود و معلوم است که این ترتیب بقدر اسباب زحمت برای دولت و ملت خواهد شد و معلوم نیست این قره باسم چه کسانی بیرون خواهد آمد لاحول ولا قوه الا بالله .

**مخبر** - اولاً آقای حاج شیخ حبیب الله فرمودند که بنده عرض کردم معنی یاداری را تفهیم و جمعی دیگر هم تفهیدند بنده گمان میکنم هیچ همچو عرضی نکرده ام بلکه عرض کردم که ما نمیتوانیم معنی یاداری را در این قانون معین کنیم و الا ما بخواهیم تفهیم اینم شاید خودشان ملتفت شده اند و سوء تعبیر میفرمایند بنده عرض کردم در قانون نیست این مسئله را معلوم کرد و حدودی از برای یاداری معین نمود اما اینکه فرمودند بمرعی مالک باشد بنده خیلی خوب میدانم که بعضی مالکین هستند همانطوریکه تمام اختیار رعیت بیچاره بدیخت و ادر دست میگیرند تعیین سر باز را هم خودشان میخواهند در دست بگیرند چطور ممکن است یک نفر مالک که یک ملک و زمینی دارد میتواند بخواهیم معین کند کی باید سر باز شود و کی نباید سر باز شود این اختیاری را که ایشان میخواهند بوزارت جنگ داده شود بنده بطریق اولی حاضر نیستم یک نفر مالک داده شود باید اختیار مأمورین وزارت جنگ بیشتر از مالک باشد بجهت اینکه مالک بعضی نظریات در ملک رعیت دارد که مأمورین دولت ابتدا آن نظریات را ندارند و لازم است در اینجا بنده یک تشریحی بکنم معلوماً که باید سر باز بدهند سه صورت ممکن است پیدا کند یعنی آن محل و آن ده یا مالک کل دارد یا مالک جزه دارد یا یکی خورده مالک است اگر خورده مالک است همانطور که آقایان تصدیق دارند هیچ زحمتی ندارد و بطوری که در بنیچه ذکر شده سر باز را حاضر میکنند و مأمورین سر باز گیری هم آن عده را بپذیرند و تکلیفش معلوم است اما اگر مالک جزه داشته باشد لازم عرض نمیدانم و بجهانی بوقع است معنی سر باز را ببالکین و اگذار کنیم اما اگر مالک کل هم داشته باشد آنهم یک صورت دیگر دارد یعنی رعایا میان خودشان از روی کابوتی یک ترتیبی مرتب میکنند و سر باز میدهند بنده بکلی مخالفم که اختیار معرفی سر باز ببالک داده شود .

**مؤید الاسلام** - چون لفظ یاداری مصادیق خیلی مختلفی دارد تا تعیین نشود ما چه معنی از او اراده کرده ایم معلوم نیست چه قسم باید رای بدیم اگر کمیسیون میتواند لفظ یادار را معنی کند بنویسند تا ما هم بدانیم و اگر نمی تواند معنی کند لفظ ( یاداری ) را بردارند یعنی اگر میتوانند یک معنی برایش معین کنند که ما بفهمیم و رای بدیم خیلی خوب ولی اگر نمیتوانند معین کنند چیزی را که نمیتوانند معین کنند ما چطور میتوانیم رای بدیم .

**حاج عز الملک** - بنده که اجازه خواستم برای موافقت با اساس این ماده بود که الحمد لله بعضی از آقایان اظهار مساعدت کردند و نظریات آنها موافق این را بورت شده است فقط آقای حاج شیخ حبیب الله در زمینه قدیم مخالفت کردند و لازم است یک توضیحی خدمت ایشان عرض کنم اولاً اینکه فرمودند چون معنی یادار را نمی دانیم نباید در اینجا نوشت بعقبه بنده نمیشود گفت همه معنی یادار را نمی دانند چون آقا خودشان میدانند قدری اشتباه کرده اند و الا خیلی ها میدانند معنی یاداری چیست چیزی که گفته شده این بود که در قانون نمیشود او را تفسیر کرد نه اینکه معلوم نیست در هر جا که لفظ

یادار گفته شود اسم مالک هم رعیت هم سر باز بگیر همه میدانند چه چیز است و یک چیز واضع است و محل اشکال نیست اما بنده میگویم که آنرا صریح بگوئیم ده تومان یا فلان قدر ملک یا فلان قدر زراعت داشته باشد نمیشود یک معنای محدود کرد و در این نقطه نظر گفته شد که نمیشود ( یادار ) را تفسیر کرد والا یک چیز معمول محل است و همه میدانند چه چیز است معنی نظری که آقای حاج شیخ حبیب الله مخالفت کردند بآن نظر پیشهاد کردن مالک با صاحب بنیچه بود در این مسئله سابقاً خیلی مباحثه شده و امروز هم که بنده در کمیسیون بودم در اینجا مطلب روشن شده تمام اشکالات از دو نقطه نظر بود یک عده اشخاص بودند میخواهند اختیار را بدلت بدهند که دولت هر سر بازی را میخواهد بگیرد و یک عده دیگر میخواهند اختیار تعیین سر باز را بدست مالک بدهند و هیچیک از این دو نقطه نظر رفع آن اختلافی را که آقایان داشتند نمیکند و بعقبه بنده لازم نیست توضیحات مفصلی در این خصوص داده شود بواسطه اینکه مطلب تا اندازه روشن شده آن اشکالی را که تصور میکردیم در گرفتن سر باز حاصل میشود چه اختیار را بدلت یعنی بامورین سر بازی گیری میدادیم و چه ببالک میدادیم آن اشکال وارد بود و همینطور که آقای مخبر توضیح دادند هیچ نمیشود گفت چون اخلاق مأمورین بدست حق را ببالک بدیم زیرا ممکن است مالک هم یک کسی که میخواهد از شرش خلاص شود معرفی کند بجهت اینکه شاید این شخص یک آدم شریری بوده است یا اینکه یک زندگانی دارد و مالک میخواهد از دست او بگیرد آنوقت او را بدست مأمورین سر بازی گیری بدهد و همینطور ممکن است هزار جور معایب دیگر داشته باشد و همانطور که ما تصور میکردیم شاید مأمور وزارت جنگ یک حاجی زاده را برای سر بازی بگیرد همانطور ممکن است مالک هم بیک جهتی همان حاجی زاده را معرفی کند پس حق این است که قائل شویم اشخاصی که در بنیچه دارای شرایط سر بازی هستند سر باز شوند آنوقت دیگر نه مالک میتواند یک نفری را از سر بازی معاف کند نه مأمور سر بازی گیری میتواند یک شخصی را معاف کند و دیگری را عوض او بگیرد در اینجا ابتدا ما اختیار را به عکس نداده ایم پیشنهادی هم که آقای مدرس فرمودند و آقای مخبر قبول نمودند مقصود همان بود که هر کس داری شرایط سر بازی است داخل نظام شود منتهی اگر عده زیاد شد قره کشیده میشود دسته باقیال است هر کس بقره معین شد باید داخل در خدمت شود پس این ماده که حالا نوشته شده است امید است که آقایان رای بدهند برای رفع اختلاف بهترین طریق است که نه اختیار ببالک و نه بامورین دولت داده شد .

**رئیس** - مذاکرات گویا کافی است ؟ چهار فقره اصلاح رسیده است قرائت میشود . رای میگیریم ( اول پیشنهاد آقای سید فاضل مضمون ذیل قرائت شد ) بنده پیشنهاد میکنم که تبصره ذیل بماده نهم ملحق شود - تبصره مراد از یادار آن است که اقلاً سر باز دارای معادل پنجاه تومان اهم از منقول و غیر منقول بوده باشد

**رئیس** - بلی مجدداً قرائت میشود.

**(مجدداً ماده مزبور با اضافه جمله (موافق ماده پنجم) بعد از لفظ شرایط قرائت شد)**

**رئیس** - رأی میگیرم بپایه نهم بر تئیبی که قرائت شد آقایانیکه این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند.

**(عده کثیری قیام نمودند)**

**رئیس** - تصویب شد - دو فقره پیشنهاد دیگر مانده است یکی پیشنهاد آقای فیروز آبادی و دیگری پیشنهاد آقای شیخ پیری باید رای گرفته شود.

**مؤید الاسلام** - پیشنهاد راجع بنده است بنده پیشنهاد خودم را پس میگیرم.

**رئیس** - پیشنهاد آقای فیروز آبادی را عرض کردم.

**(مجدداً بضمون سابق قرائت شد)**

**رئیس** - توضیح بدهید؟

**حاج سیدرضا** - چون محلها مختلف است یعنی بعضی جاها هست که اگر يك كسی هزار تومان داشته باشد چون دیگران زیاد تر از او دارند او را پادار نمیگویند و بعضی جاها هست که اگر دارای ده رأس گوسفند باشد یا دارای پنج من پودر آفتاب باشد چون دیگران آنرا ندارند پادارش میدانند خوب است نوشته شود هر معنی بالنسبه بخودش پادار خودش را معین کند.

**رئیس** - رأی میگیرم در قابل توجه بودن پیشنهاد آقای حاج سید رضا آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمایند.

**(عده قلبی قیام نمودند)**

**رئیس** - قابل توجه نشد - پیشنهاد آقای آقا شیخ پیری است قرائت میشود ورأی میگیرم.

**(بضمون ذیل قرائت شد)**

بنده پیشنهاد میکنم اینقسم نوشته شود - تبصره پادار کسی است که ملائمت بعمل خود باشد.

**مخبر** - این پیشنهاد آقای مؤید الاسلام بود که پس گرفتند.

**رئیس** - پیشنهاد آقای مؤید الاسلام حذف لفظ پادار بود مسترد داشتند این پیشنهاد دیگری است اگر توضیحی دارید بفرمایند.

**آقای شیخ پیری** - بنده عبارتی بهتر از (ملائمتی) ندیدم که جامع این نظر باشد باین جهت اینطور پیشنهاد کردم.

**رئیس** - آقای مخبر در اینجا چه میفرمایند **مخبر** - این راهم نمی توانم قبول کنم.

**رئیس** - رأی میگیرم آقایانیکه اصلاح آقای آقا شیخ پیری را قابل توجه می دانند قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد - ماده الحاقیه که از طرف آقای مخبر پیشنهاد شده و ماده هجدهم خواهد شد قرائت میشود.

**(بضمون ذیل قرائت شد)**

ماده الحاقیه پس از نسخ تخفیفات معنی موافق ماده در صورتیکه در عوض آن تخفیفات تحمیلات مالیاتی بعمل شده باشد آن تحمیلات نیز منسوخ خواهد بود

**رئیس** - این کدام ماده است؟

**مخبر** - يك پیشنهادی از طرف بعضی آقایان شده بود بکمیسیون آمد و آن پیشنهاد تماماً قبول شد (مطابق ماده) که نوشته اند شده است مقصود پنج اضافه شد.

**(پیشنهاد حاج سیدرضا فیروز آبادی)**

بنده پیشنهاد میکنم که پاداری را تفسیر نمایند باینکه اهل محل او را پادار بگویند

**(پیشنهاد آقای مؤید الاسلام)**

بنده پیشنهاد میکنم لفظ پادار از ماده نهم حذف شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای سید فاضل و آقای مدرس یکی است

**معاون وزارت جنگ** - وزارت جنگ باین دو فقره پیشنهاد موافقت ندارد

**رئیس** - با پیشنهاد آقای سید فاضل و آقای مدرس؟

**معاون وزارت جنگ** - بلی

**رئیس** - آقای آقا سید فاضل توضیحی دارید بفرمایند

**آقای سیدفاضل** - گمان میکنم محتاج به توضیح نیست وار اینکه پادار از مفاهیمی است که از کثرت و ضوح میشود معنی برای آن معین کرد مهذا چون در جاهایی که سرباز میدهند قهرآ تفسیر پادار مختلف است بنده خواستم اقل ضابطیکه اول درجه آن باشد در قانون ذکر و مرعات بنده باشد که اقل ضابطش این است که دارای پنجاه تومان از منقول یا احشام یا خانه باشد

**رئیس** - آقای مدرس هم توضیحی دارند؟

**مدرس** - خیر همان است که فرمودند

**معاون وزارت جنگ** - توضیحی که آقایان در خصوص پاداری دادند بنده ناچارم بازم توضیحاتی بدهم نظر باستحضات ملک و محل پاداری تفریق میکنند یکجائی هست که یکی بیست تومان دارد و پادار است و يك جای دیگر هست که با یا تصد تومان هم پادار نیست مثلا اگر بخواهم معنی برای پاداری معین کنم آنوقت یسر فلان حاجی یا یسر فلان سربند که تمام شرایط سربازی دارد خودش دارای یکشاهی نیست و پدرش دارای همه چیز است میاید میگوید چون پادار نیستم نباید سرباز شوم در صورتی که محل آنرا پادار میدانند بجهت اینکه پدر و کس و کارش معتبرند باین جهت نمیتوانم در این قانون حدی برای پاداری تعیین کنم اگر بخواهم برای پاداری حدی معین کنم باید بگویم اقل دو بیست تومان اعتبار داشته باشد برای اینکه در مدت دو سال خدمت تقریباً دولت دو بیست تومان خرج او میکند پس بهتر است که هیچ تفسیری برای پاداری قائل نشویم و بهمان حرف محل و انگار کنیم

**رئیس** - آقای مخبر پیشنهاد آقایان را قبول دارند؟

**مخبر** - خیر بنده هم همان عملی که عرض کردم قبول نخواهم کرد.

**رئیس** - پس باید رأی بگیریم آقایانیکه اصلاح آقا سید فاضل یعنی تبصره را که آقا سید فاضل پیشنهاد نموده اند قابل توجه میدانند قیام نمایند (عده قلبی قیام نمودند)

**رئیس** - قابل توجه نشد رأی میگیرم بپایه نهم

**آقا سید فاضل** - مطابق شرایط ماده

آن ماده است و حالا باید این قسمت به آن ماده ملحق شود و در حقیقت باین ترتیبی که بنده نوشته ام يك ماده است

**رئیس** - پیشنهاد که تصویب شد چرا جزو راپورت ذکر نکردند

**مخبر** - عرض کردم چون آن پیشنهاد هینا تصویب شده بود همانطور باید نوشته شود

**رئیس** - پیشنهاد آقای سلیمان میرزا و دیگران را مفرمایند

**مخبر** - بلی

**رئیس** - پس میبایستی در راپورت متذکر شده باشید حالا باید این ماده الحاقیه را به آن متصل کنند؟

**مخبر** - بلی

**رئیس** - بسیار خوب قرائت میشود ورأی میگیرم (بضمون ذیل قرائت شد)

ماده - محل هائیکه مطابق قوانین و یا احکام از دادن نفقات قشونی معاف شده اند در صورتیکه مطابق ماده دهم معافیت آنها تصدیق نشود از معافیت معرور و مکلف بدادن قشون خواهند بود پس از نسخ تخفیفات معنی در صورتیکه در عوض آن تخفیفات تحمیلات مالیاتی بعمل شده باشد آن تحمیلات نیز منسوخ خواهد بود

**رئیس** - آقای سردار معظم مخالف هستند **سر دار معظم** - خیر مخالف نیستم فقط يك اصلاح عبارتی است میخواهم عرض کنم چون قبلا فرار شد پیشنهاد آقای مخبر يك ماده علیحده باشد حالا که هر دو يك ماده میشود اگر عبارت (پس از نسخ تخفیفات معنی) حذف شود و از جمله (در صورتیکه در عوض آن تخفیفات) بیحد نوشته شود بهتر خواهد بود

**رئیس** - دوباره قرائت میشود (مجدداً ماده فوق الذکر با حذف جمله (پس از نسخ تخفیفات) (اضافه حرف او) قبل از (در صورتیکه) قرائت شد)

**رئیس** - رأی میگیرم باین ماده که بمذ نمرایش را آقای مخبر معین خواهد کرد آقایان که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمایند (عده کثیری قیام نمودند)

**رئیس** - تصویب شد - ده دقیقه نفس داده میشود بعد در کلیات قانون قشونگیری مذاکره میکنند (در اینوقت نفس شد و پس از ۱۵ دقیقه مجدداً جلسه تشکیل گردید)

**رئیس** - مذاکرات در کلیات قانون قشونگیری است.

**حاج امام جمعه** - خواهش دارم آقایان نمایندگان با يك نظر عمل و انصاف اظهارات مرا تلقی کنند در کلیات این قانون بنده اشکالی که دارم در يك جهت است و آن جهت راجع است بيك قطعه از مملکت که مع التأسف در اینجا هیچ نماینده ندارد و کسی هم که مدافعه از حقوق آنها بکنند نیست اگر چه البته همه شما نماینده تمام مملکت هستید و از هر جزو از اجزای مملکت مدافعه خواهید کرد و در نتیجه سابق بیعتی که حالا شرح آن را لازم نمایانم عرض کنم در ماده آذربایجان

در این قانون قشون گیری تعمیم فوق العاده شده است چون نفوس آذربایجان را سه کرور میکنند سه کرور نیم میگوشند اقصی چیزی که در ماده نفوس آذربایجان گفته شده است چهار کرور است این مقدار را اگر نسبت بتمام ایران فرض کنیم يك قسمت از هفت قسمت یا يك قسمت از هفت قسمت و نیم این مملکت میشود و نفوس آذربایجان را نسبت بصد هزار قشونی که دولت پیشنهاد کرده است و بعضی آقایان آتوقت اگر بخواهد با تبدیل قشون را به مملکت قسمت کنید قسمت آذربایجان دوازده هزار بانصد نفر میشود و از روی این بنیجه که دولت پیشنهاد کرده قریب سی هزار نفر با آذربایجان میرسد در صورتیکه ما خلدن اشتهادو دوهزار و کسری گرفته اند باز قریب سی هزار نفر قشون آذربایجان را منظور کرده اند حالا چرا سبب قشون آذربایجان را را اینقدر منظور کرده بودند بخواهم شرح بدهم امروز مملکت مشروطه است و باید حتی الامکان شما ها يك نظر عمل و تسامی در همه کارها داشته باشید اگر تسامی تام هم نباشد لا اقل تسامی فی الجمله و عدل فی الجمله باید منظور بشود در هر چه در این مجلس قانون وضع شود و با دستور العمل بملکت داده شود باید يك نظر تسامی باشد و نظر شما نباید در ترجیح جائی بجائی باشد (آنوقت که سی هزار یا بیست و هشت هزار نفر آذربایجانی را قلنداد میکردند فقط روی کاغذ بود و بمقام مجلس می آمدو هر کدام از شماها اگر بخواهید از سر کرده های سابق تحقیق بکنید البته خواهید گفت که فوج ۵۰۰ نفری نا حالا در طهران حاضر نشده است فقط روی کاغذ بود اما امروز میخواهیم آن چه معین میشود روی کاغذ نباشد عملی باشد یعنی بمقام عملیت باید از طرف دیگر باز تصدیق خواهند کرد که آذربایجان امروزه آذربایجان ده سال قبل نیست و تقریباً نصف آنجا لنگه کوب شده است و حالا هم لنگه کوب میشود و از بدبختی حالا هم در فشارهاست و همه شماها میدانید و چون نماینده ندارید حالا هم تعمیم سایر جاها را به آذربایجان کرده اند و در واقع خلاف وجدان است تصور میکنم هیچ يك از شما ها این ترتیب را تصدیق نفرمایند گذشته از این باین حال حاضر این تکلیف يك تکلیف مشکلی است چون تکلیف دو قسم است يك تکلیف متمدر و يك تکلیف متمدر یعنی يك تکلیفی است که میشود آنرا قبول کرد ولی مشکل است و يك تکلیفی است که ممکن نیست آنرا بجا آورد بنده عرض میکنم تعمیم این قشون با آذربایجان و حاضر کردن آذربایجان این عددا را يك تکلیف متمدری است و ممکن نیست بتواند این کار را بکنند این است که بنده پیشنهاد میکنم که در موضوع آذربایجان قرار بدهند از هر دو نفر یک نفر گرفته شود و در این صورت هم اگر ملاحظه بفرمایند باز از حذو خودش زیاد تر داده است بجهت اینکه تا بحال قشون آنجا قریب بیست و هشت هزار نفر روی کاغذ بوده است ولی هیچوقت حاضر نشده است فقط روی کاغذ بوده است و حالا میخواهم آنطور نباشد و تا بحال قشون اینجا ۲۸ هزار نفر بلکه متجاوز بوده است یعنی ۲۵ فوج دارد هرده طایفه نوپیی دارد قریب دو هزار و پانصد نفر هم سوار دارد بنا بر این بنده

پیشنهاد میکنم موافق عدل و انصاف از بنیجه آنجا عرض دو نفر یک نفر بگیرند و ممکن است به آن محلهائی که تا بحال کم قشون میداده اند تعمیم کنند و صورت آنرا بمجلس شورای ملی بیاورند و مجلس تصویب کند والا اگر غیر از این بخواهید بکنید آتوقت آذربایجان حق خواهد داشت بگوید ما نماینده نداشتیم و کسی نبود مدافعه از حقوق ما بکنند و مجلس شورای ملی بنا تمدی کرد و هیچوقت بنده اینرا سزاوار نمی دانم و امیدوارم شما هم اینطور بکنید

**مخبر** - فرمایشاتی که آقای حاج امام جمعه فرمودند بنده هیچ نمیتوانم از تصدیقش خود داری کنم بجهت اینکه همانطوریکه مذاکره شد بنکوفتی اقتضا میکرد آذربایجان قشون زیاد داشته باشد با ملاحظه سرحدی با ملاحظه رشادت و شجاعت یا بملل دیگر و همینطور هم بود و همه قسم کات هم با آذربایجان برای دادن قشون میشد که امروز هیچکدام از آن کمک ها از طرف دولت نسبت به اهالی آذربایجان نمیشود از طرفی دیگر ملاحظه میکنم که مواضع آذربایجان در این ایام اخیر طوری مغشوش شده است که در واقع بعضی املاک آذربایجان همانطوریکه آقای حاج امام جمعه فرمودند بکلی خراب و ویران شده و بلا سکنه مانده است در این صورت اگر ما درست دقت بکنیم و سه کرور و نیم یا چهار کرور جمعیت آذربایجان را حساب بکنیم اگر یکصد هزار نفر قشون بنیجه داشته باشیم بهر يك يك کروری سه هزار وسیصد و سی و سه نفری کسری سرباز تقیم میکنیم و اگر باین نسبت حساب کنیم بچهار کرور آذربایجان تقریباً سیصد هزار و سیصد و نوزده نفر سرباز حصه و قسمت داده میشود در صورتیکه امروز با اینصورت که وزارت جنگ داده است و بنیجه قشون بنظر همه آقایان رسیده است هشت و هفت هزار و کسری قسمت قشون آذربایجان شده است این راهم نمیتوانم عرض کنم که آذربایجان تمام این ۲۷ هزار و کسری قشون را میدهد بجهت اینکه با اطلاعات قدیمه و جدیده که داریم میدانیم هر فوجی که تا بحال بطهران آمده است هیچوقت از ۶۵۰ نفر بیشتر حاضر نبوده است و با اسامی مختلف باسم محل فراری غایب متوفی منزل و غیره آنچه ممکن بوده است اسامی مختلف گذاشته اند در واقع عده صمیمی وجود نداشته است با این وصف بیشتر دهات آذربایجان همانوقت ها هم که قشون بطهران احضار میشد يك مرد کاری برای کار کردن و زراعت نداشتند و همه مردهای کاری برای سربازی و خدمت آمده بودند امروز که دیگر بطریق اولی مدارا است حال آنجا از چه قرار است ولی اینکه میفرمایند آذربایجان امروزه نماینده ندارد بنده عرض میکنم اختصاص نماینده لازم نیست همه این آقایان نماینده ایرانند و آذربایجان هم يك قطعه از ایران است باینجهه همه نمایندگان آذربایجان محسوب میشوند بنده که در این چند روز در این قانون دقت میکردم يك شرحی بنظرم رسید نوشتم و تقدیم مجلس مقدس میکنم که بکمیسیون مبتکرات رجوع شود و اگر دولت صلاح بدانند بانظر وزارت جنگ و تصویب مجلس بکنند از قشون آذربایجان را تخفیف بدهند و از مجلهای دیگر کما حدیث مکنت و تمول و اشخاص همه قسم استمداد دارند گرفته شود

که هم این فشار بر مردم آذربایجان وارد نیامده باشد و هم سایر قطعات مملکت که تا امروز در این مقصود مقدس یعنی دادن قشون همراه نبوده اند شریک شوند که در حقیقت هم يك افتخاری برای آنها خواهد بود و هم يك شکاری از یک عده دیگر کم خواهد شد این است که نوشته ام و تقدیم میکنم

**رئیس** - بالاخره آقای مخبر با اظهارات آقای حاج امام جمعه موافق بودند

**مخبر** - بلی موافق بودم

**معاون وزارت جنگ** - توجه خاطر نمایندگان محترم را باینکه منصفه استدالات و فلسفه سربازی گیری با اصول بنیجه که در زمان ریاست وزرائی آقای مشیرالدوله تقدیم مجلس مقدس شده است جلب نموده عرض میکنم که هر گاه امروزه برای دولت مقدر میشد مسلماً سربازگیری با اصول اجباری عمومی را که بهترین اصول و درمیان اکثر ملل تمدنه متداول است پیشنهاد میشود لهذا نظر بفراموش نبودن مقدمات این کار تا زمانیکه دولت مقدمات لازمه را بتواند فراهم نماید این قانون سربازگیری بنیجه که متداول و معمول سابقه خودمان است و مردم سالیان دراز معناد بجزای آن بوده اند تقدیم کردید رعایت مساوات کلمه که آقایان میفرمایند نخواهد شد مگر در اصول اجباری عمومی راست است منتساب و مست می کند وقتی نظر نمایم میزان افراد بنیجه آذربایجان و مازندران و بعضی قطعات دیگر نسبت بجایای دیگر بیشتر بنظر میآید لیکن در عوض میزان خانواری بقدری کم است که بیست و هفت هزار نفر افراد قشونی آذربایجان نسبت بپنج کرور سکنه آنجا طاق فرسا نیباشد ببلاده وزارت جنگ نمیتواند تبعیض در بنیجه واروا دارد و از هر تخفیفی که با آذربایجان داده شود بهتران و مازندران و عراق رمدان و غیره را معرور داشت در آنصورت با اساس بنیجه که مواضع حاضر مملکت صالح ترین ترتیب سرباز گیری است سکنه وارد میآید و با این مرضات امروزه عالم که هیچکس خبر از پیش آمد فردا ندارد محل تعمیم قشونی مغل و ناقص میشود بنده یقین دارم که در طرف دو سال آتی به دفتر موابله و احصائیه مملکت کاملاً مرتب شده و سربازگیری با اصول اجباری عمومی که عبارت از رعایت مساوات کاملاً باشد مجری میشود قوانین آن فعلاً از مجلس مقدس خواهد گذشت در آنوقت هر گاه دولت جلسه بخواهد مانند سایر ملل مسحه که مقید بهیات سیاسی خود هستند سرباز گیری نمایند عده افراد تحت اسلح آذربایجان بطور دائم و در هنگام صلح ۲۵ هزار نفر خواهد بود که عبارت از صد يك سکنه آن ایالت است در صورتیکه با قانون امروزه فقط ربع ۲۷ هزار نفر بنیجه آنجا که زیاد از هفت هزار نخواهد بود تحت سلاح گرفته میشود و کمتر از دو بیست يك سکنه آن ایالت است و وزارت جنگ در نظر دارد که مساهدتهای ماده دوم را در قسمتهای کما اخیراً از آذربایجان خراب و ناتوان شده است کاملاً رعایت نماید این نکته را هم فراموش نکنیم که میزان خانواری در آذربایجان بی اندازه سبک و نفری بیست و پنج قران است در سال در حالیکه افواج عراق قزوين خرقان سیلاخور چهار پنج برابر آجاست و ببلاده این عده بنیجه هر گاه دولت استحضات داشته باشد بشهادت تاریخ آذربایجان پنجاه هزار نفر چريك و

**کسک** را با کمال سهولت و دلاویزی شهادت داد لهذا بهترین قانون سر باز گیری همین است که از شور دوم هیئت تقنینیه گذشته و منتظر رای قطعی و آخری مجلس مقدس شورای ملی است که بوقع اجرا برسد این است نظر وزارت جنگ .

**رئیس** - این مطلب بقدری تازگی داشت یعنی خاطر آقایان مسیوق میشود آقای مخبرم اظهاراتی فرمودند آیا تصویب نمیرماید که این مطلب باند برای جلسه دیگر ( بعضی گفتند در این جلسه ختم شود بهتر است )

**رئیس** - پس باید مذاکره کنیم

**نظام السلطان** - این پیشنهاد را چون خود بنده هم امضاء کرده ام ناچارم موافقت کنم و عرض میکنم آن اظهاراتی را که آقای حاج امام جمعه فرمودند تا یک اندازه صحیح است ولی خیلی قاصد از اینکه میفرمایند آذربایجان نماینده خصوصی ندارد .

**رئیس** - اگر با پیشنهاد آقای حاج امام جمعه موافقت دراصل مطلب فرمایش پفرمانند

**نظام السلطان** - بله موافقم دلایلی را هم که آقای معاون وزارت جنگ فرمودند تماما تا یک اندازه صحیح است ولی ما میخواستیم بگوئیم که قشون یک مملکتی مثل آذربایجان را بکنی تخفیف بدیم بلکه بگوئیم تمام مملکت نباید یک طور دارای پنجه باشد بملکه این مذاکرات بواسطه مقتضیات امروزه و برای گرفتاری و اتفاقاتی است که برای آذربایجان پیش آمده است و اگر دولت بخواند آن ۲۵ هزار نفر را از پنجه آذربایجان امروز کسک در تحت سلاح بیاورد شاید مملکت آذربایجان بتواند افزوده داند این عده سر باز برآید این تخفیف هم که از مجلس تقاضا شد بملکت آذربایجان داده شود بنده بآن ترتیبی که آقای حاج امام جمعه فرمودند نظر نداشته ام بلکه عقیده بنده این بود عرض هر سه سر باز دهنر بدهند و عقیده این است ما که از حالت حاضر آذربایجان مطلع هستیم باید رعایت حال آنها را بنسائیم و اگر مجلس در این موقع یک تقصیری بکند و به یک قطعه مملکت مثل آذربایجان یک تخفیف بدیم گمان میکنم صلاح باشد .

**مخبر** - بنده گمان این است اینکه میفرمایند این مسئله در همین مجلس مذاکره و تمام شود راجع به مجلس نیست بجهت اینکه این مسئله که مذاکره شد که خارج از این موضوع است حالا باید در کابیات قشون رای داده شود بگنرد . این ماده بکسی چون رجوع شود با نماینده وزارت جنگ در این خصوص مذاکرات شود و بعد از مدافه هر طور صلاح دیدند همانطور رفتار نمایند .

**مدحت السلطنه** - اولاً بنده تصور میکنم که اگر از یک محلی نماینده در مجلس نباشد این ایراد وارد نیست زیرا تمام این و کلا نماینده ایران میباشد و اینکه فرمودند ۲۷ هزار قشون برای آذربایجان زیاد است و باید کم شود تصور میکنم برای کم شدن عده پنجه خود اهالی آذربایجان هم راضی نباشد برای اینکه اهالی آذربایجان هم وقت پیش از تمام مملکت برای حفظ این مملکت و قناری حاضر بوده اند و همه آقایان مسیوقند که چه نوع

جانفشانیها کرده اند و بهتر از هر کس برای این آب و خاک خدمت کرده و میکنند و بهمان دلایلی که آقای مخبر فرمودند علت اینکه بنده سر باز آذربایجان را زیاد کرده اند بلا حظه شجاعت و رشادت آنها با از حیث اهمیت سرحدی بوده است بنده هم عرض میکنم بهمان دلایل آذربایجان باید از همه جا بیشتر سر باز بدیم برای اینکه آذربایجان امروز بیشتر از همه جا محتاج به امنیت و انتظام است و تصدیق خواهند فرمود که امنیت و انتظام هم محتاج بقشون است و فرستادن قشون هم از عراق و همدان و فارس یا خراسان با آذربایجان برای انتظام و خدمت خیلی مشکل است و باز هم تجدید میکنم با قناری هائی که آذربایجان برای این مملکت کرده است بنده این مطلب را برای آذربایجان یک نوع وهنی میدانم و امروز آذربایجان حاضر است تمام نفقات خودش را بدیم بجهت اینکه مادر عمل این مطلب را بخوبی بدیم و اگر چنانچه این فرمایش را نظر بجزایری که اخیراً در آذربایجان فراهم آمده است میفرمایند بطوریکه آقای معاون وزارت جنگ فرمودند ممکن است موافق ماده دهم رعایت بشود یعنی اگر دولت دید نمیتواند این عده را بدیم نیکبرد البته خود دولت رعایت این مسئله را خواهد کرد ولی بنده موافق هستم که از این بیست و پنجه هزار نفری که اضافه بر ما غنیمت شده است و حالا بصد هزار نفر میرسد از این عده که زیاد میشود آذربایجان را معاف بدارند و از آذربایجان زیاد از آن عده که سابق میداده است بگیرند و بآن حال قدیمی خودش بماند و تصور میکنم اگر در این موضوع بخواهیم امروز حرف بزنیم و از عده قشون آنجا بکامیم مجبوریم آن عده را کاز آذربایجان کم میکنیم بجای دیگر اضافه کنیم و در اینصورت بکنی ترتیب پنجه قدیم بهم بخورد و اگر باین اهمیت امروزه و باین احتیاجی که امروزه ما بقشون داریم پنجه تغییر کند چندین ماه بلکه چندین سال طول میکشد تا ما بتوانیم پنجه صحیحی بطور تساوی تهیه کنیم اگر چه ما معتقدیم باینکه پنجه تغییر کند و یک پنجه صحیحی داشته باشیم ولی نامرور پس بهتر این است امروز بهمین ترتیب پنجه معلوم شود و در آنجا بطور تساوی یک پنجه برای مملکت تهیه کنند که تمام اهالی مملکت بطور تساوی یک حالت متدلی قشون بدیم .

**حاج شیخ اسدالله** - در اینکه این یک تحلیلی است که سابق معمول بوده و اگر امروز بخواهیم مطابق همان پنجه رفتار کنیم این عده را بر اهالی آذربایجان تحمیل کنیم یک چیزی است که اهالی آذربایجان از عده آن بفرمودند آمد حرفی نیست و همه آقایان تصدیق دارند که تک آذربایجان امروزه بکلی از حیز انتفاع افتاده است منتهی چیزی که آقای معاون میفرمایند این است که در ضمن این قانون یک ماده نوشته شده است که اگر مجلس استمداد دادن سر باز را نداشته باشد با موافقت نظر وزارت مالبه تخفیف داده میشود ولی بکن قشر دیگری را ملاحظه فرموده اند که میتواند باز تحمیل بر همان حوزه خواهد شد بنده عرض می کنم حوزه از برای آذربایجان باقی نمانده و باید این مطلب را از نظر دور نماریم که یک قانونی که نوشته میشود باید ممکن اجرا باشد یعنی محلی باشد یعنی بتوان آن را بوقع عمل آورد بنده حرفی ندارم که این قانون

سر باز گیری که بجلس آمده است رأی در کابیاتش داده شود و بگذرد ولی اساساً باید این مطلب یک ترتیب صحیحی نوشته شود و این پیشنهادی که میشود باید یک کمی داشته باشد یعنی یک قراردادی داده شود که اهالی آذربایجان بتوانند از عده انجام وظایف خودشان برآیند و الا اگر بهمین حال بخواهیم باقی بگذاریم بگوئیم مطابق بنجه قدیم باید سر باز خودشان را بپردازند بنده عرض میکنم هیچ صورت خارجی پیدا نمیکند و روی کافه میماند و نمی تواند از انجام و ادای آن سر باز بر آیند بنده مخالفت ندارم کسک در کلیات این قانون هم رأی گرفته شود ولی باید این پیشنهاد رجوع به کسبون نشود و یک قراردادی داده شود و یک صودای نوشته شود که اهالی آذربایجان بتوانند از عده بر آیند .

**آقا شیخ ابراهیم زنجانی** - بنده ندانم معنی مخالفت کردن چیست یعنی هر کس مخالفت میکند میخواند این قانون را رد بکنند یا این پیشنهاد یک پیشنهاد علیحده است که می خواهند بعد قبول شود ؟ . . .

**رئیس** - مذاکره را چه باین ماده است

**آقا شیخ ابراهیم** - بله با قانون موافقم .

**رئیس** - پیشنهادی که کرده اند باید بجهت بآ آن پیشنهاد بماند یا موافقت

**آقا شیخ ابراهیم** - با پیشنهاد مخالفت اولاً وقتی که سر باز را بملکت توزیع کرده اند به عقیده بنده گویا یک تحمیل زیادی بر آذربایجان نشده باشد بجهت اینکه همچو بنظر می آید که عده قشون آذربایجان رابع این مملکت بوده و عده سر باز که بر آنجا تحمیل شده است موافق پنجه قدیم سی هزار بوده است یعنی سر باز که بر آنجا تحمیل شده ربع سر باز داخلی تمام مملکت بوده است زیرا سر باز اصلی یکصد و بیست هزار نفر بوده و سی هزار نفر آنرا که موافق ربع بوده یعنی تحمیل کرده اند حالا اگر بخواهیم این نظریات را در مملکت ملاحظه کنیم می بینیم خیلی تغییرات در مملکت پیدا شده خیلی جاها خراب شده و خیلی جاها آباد شده مثلا غسه با آن کوچکی در فوج دو هزار و دویست سوار دارد پس اگر اینطور باشد بآنچاهم تخفیف بدیم در صورتی که تصدیق خواهیم کرد تحمیل بی جایی نبوده و بطور تساوی بوده حالا چرا بیجا شده است و اگر بخواهیم این امر را اصلاح بکنیم موقوف به چیزی است که در تمام جاها یک میز مالیاتی نشود آن وقت از روی آن مالیات سر باز گرفته شود مادامی که میزری جدید نشده نمیشود تغییر داد چون در مملکت تغییرات خیلی پیدا شده است حالا باید عقیده که مثلا اگر از یکجائی یک عده بر داشتیم نباید بکلی موقوف باشمو اصلاً نباشد یا غیر می خواهیم بجای دیگر تحمیل کنیم و عده سر باز همان است که رأی داده شده و حالا که بکسک از اینجا برداشته میشود بجای دیگر تحمیل خواهد شد اگر اینطور است کفلسه اینکه از یک جائی کم شود و بجای دیگر تحمیل شود بنده نمیانم و اگر مسئله موقوفی است بکسک مسئله دیگری است و آنوقت بآن رأی که دادیم عده قشون کلیه فلاقدر باشد تناقص میشود علاوه بر این در قانون یک ماده هست که هر گاه وزارت جنگ ببیند یک محلی خراب شده است و قوه

دادن سر باز را ندارد و وزارت جنگ بنظر بیات صحیحه و بنظر وزارت مالبه میتواند آن محل را که صلاحیت سر باز دادن را ندارد از دادن سر باز معاف بدارد و بجای دیگر یعنی محلی که صلاحیت دارد تحمیل کند نه اینکه یک تحمیل فوق العاده بیک محل دیگر که استطاعت دارد بکنند حالا باید مقصود را فهمید که آیا مقصود این است که پنجه تخفیف داده شود و هیچ نباشد یا اینکه به آنجا تخفیف داده شود و بجای دیگر تحمیل شود در صورت ثانی هم آن محلی که باید این سر باز بر آن تحمیل شود و باید معلوم شود با اینکه با اختیار وزارت جنگ و اگذاشت که مثلا ده هزار نفر به آذربایجان تخفیف داده شود و بعد وزارت جنگ و اکتاد کنیم که هر جا دلش میخواند تحمیل کند چرا اینطور نیست باید محل و جایش را معین کرد بملکه باید فهمید که کلیات این قانون باید برای داده شود باینکه باید موقوف به تعیین این مطلب باشد این مارا باید فهمید .

**حاج امام جمعه** - بنده تصور میکنم در مجلس یک حرف ساده واضحی که خیلی منطقی است و خیلی هم واضح و ساده است آقایان و کلا آنقدر بیچ و خم بیندازند بنده عرض میکنم آذربایجان هشت پانزده مملکت نفوس دارد و باید بقدر هشت پانزده مملکت قشون بدیم آخرش ما میفرمایند این مملکت مشروطه است مساوات است عدل است من بگوئیم این حکم از مجلس شورای ملی صادر بشود با آذربایجان جور میشود من هیچ نتوانم بهم آقایان در مقابل این عرض من چه میفرمایند اینکه میفرمایند آذربایجان حاضر است تمام عده اش را بدیم عرض میکنم با تعارف که قشون درست نمیشود چون من میخوانم که قشون درست بشود و این مملکت صاحب قشون باشد و مثل سابق باشد و فقط اسم و روی کافه نباشد میخوانم این مملکت قشون داشته باشد و از آنجا بنده از آذربایجان مطلع شدم ا اطلاع میدهم که آذربایجان استمداد دادن اینقدر قشون را ندارد حالا آقای حاج شیخ ابراهیم زنجانی میفرمایند آنجا ربع مملکت است و گمان این است بعد از نطق من یکی بر خیزد و بگوید نصف این مملکت است و باید بقدر نصف مملکت قشون بدیم بسیار خوب من حرفی ندارم اما اینکه میگویند آذربایجان راضی است این هم خیلی غریب است آذربایجان که حاضر است فردا سؤال میکنم که ما از شما میخوانیم قشون زیاد بگیریم آیا حاضر هستید یا نیستید اگر گفتید حاضر نیستیم کسی یا آنها معارضه ندارد اینها تعارف و از حرف دور شدن است باز عرض میکنم که شما بانصاف بحرف من برسید ببینید سابق که سر باز می آوردند کسی می آورد چه می آورد آیا سر باز را سه تومان و نیمی که دولت میداد یا پنج تومانی که مالک یا رعایت میکرد می آورد غیر اینها او را نمی آورد مسلمانان انصاف بدید او را قدرت دولت می آورد اجبار می آورد وقتی هم می آمد در اینجا قضایی و قانونی میکرد کی برای شما تفنگ بر میداشت شب و روز خدمت کند اما امروز میخوانم راستی سر باز داشته باشیم یک قدری با انصاف حرف مرا گوش بدید ما میگوئیم میخوانیم قشون داشته باشیم سر باز داشته باشیم در آذربایجان دهی که صد تومان مالیات داد باید پنج نفر سر باز بدیم و در بعضی جاها دیگرش باید هشت نفر سر باز

بدهد فرضاً این هشت نفر سر باز را در این ده حاضر کردیم و وزارت جنگ هم مأمور فرستاد و آمده و گرفت آنوقت میخوانند بطهران مسافرت کنند و دست تومان کمتر مخارج آنها است آنرا که دولت نخواهد داد پس باید آن سکنه بدبخت بهر یکی از آنها پنجاه تومان بدهند و برای خدمت بفرستند حالا تصور بکنید ملکی که صد تومان مالیات دارد زیاد تر از چهار صد تومان باید سر باز بدیم این نشدنی است بسیار خوب روی کافه بیایید و همانطوریکه معاون وزارت جنگ میگویند صد هزار قشون بگیرند بنده هم میگویم بگیرند بلکه بنده و خیلی اشخاص دیگر از خدا آرزو را میخوانیم که قشون ما از صد هزار نفر هم خیلی بیشتر باشد و قشون گیری بطور اجباری عمومی باشد و اشخاص را که از بیست سال بیشتر و از سی سال کمتر دارند تمام را بانصاف پانزده آنها را دولت حکم کند در تمام مملکت زیر سلاح برون دولت هم قادر باشد کسوه و نفع آنها را بدیم آرزو را ما از خدا میخوانیم ولی امروزه که نداریم آخر من میخوانم قشون داشته باشیم این است که میگویم این نشدنی است بسیار خوب من که با کثرت مجلس معارضه ندارم من باید رأی خودم را بگویم اطلاعات خودم را بگویم و از حقوق یک جماعتی که اینقدر فک زدمانه مذاقه کنیم اینکه میفرمایند همه ما نماینده همه جا هستیم و حقوق همه را مدافعه میکنیم الحق همینطور است مدافعه و محافظه حقوق همه را میفرمایند من عرض میکنم این کار نشدنی است آذربایجان نمی تواند این عده را بدیم اگر میخواند روی کافه باشد من چه حرف دارم اما اینکه گفتند آیا مقصود من این است که از اصل قشون تخفیف داده شود و با از جای دیگر عرض آنها را بگیرند عرض میکنم مقصود من این است که از جای دیگر بگیرند و از آن قدری هم که پیشنهاد شده است بکفتری علاوه شود بنده عرض میکنم در مملکت مشروطه حاکم قانون است اشخاص حاکم نیستند این را تصدیق دارید و با این را هم تصدیق ندارید در مملکت مشروطه حکومت با قانون است و اشخاص مجری قانون هستند بنا بر این من نمیتوانم تصدیق کنم که اختیار وزارت جنگ داده شود که از هر طور دلش میخواند رفتار کند ای مسلمانان مگر شما اخلاق اهل این مملکت را قراموش کرده اید فرداست که بیست هزار نفر مأمور وزارت جنگ را بر مردم و اموال مردم مسلط میکنند من میگویم این عده که از اینجا کسر میشود از محل با سکنه استمداد دارند و باید قشون بدهند و تا حالا نداده اند بگویند یعنی مجلس پیشنهاد کنند و مجلس رای بدیم من نه پنجم کجای این حرف میبوب است در مقابل این حرف چه میگویند آیا میگویند چون در پنجه آذربایجان قشون زیاد بوده ما مجبوریم قشون را زیاد کنیم با باین قشون را هم با آذربایجان تحمیل کند شما را بغدا این دلیل شد این حرف منطقی است این حرف که منطقی نیست این که دلیل نمیشود میگویند چون از یک مملکت نماینده در مجلس نیست باید با آنها تحمیل کنیم بسیار خوب من حرفی ندارم اما باید عرض خودم را بکنم و برای خودم را اظهار کنم .

**رئیس** - خیلی ولایات هستند که نماینده ندارند و همه قسم حمایت از آنها میشود .

**حاج امام جمعه** - اینجا هم باید بشود پس چرا نباشد .

**سردار معظم** - اولاً بطور کلی باید گفته شود که عده قشون باید ترتیب سابق باشد و نباید گفته شود که عده قشون هر محلی باید متناسب با عده آن محل باشد پس تصور میکنم این اشکال وارد باشد بجهت اینکه در تعیین عده قشون فقط عده نفقات اهالی محل مدخلیت ندارد بلکه عادات و خصوصیات محل یک مدخلیت فوق العاده در این امر میتواند داشته باشد چنانکه ممکن است صد هزار نفر اهالی یک محل لایق دادن یک نفر سر باز نباشد و بمسک بشاید آنجا خیلی شجاع و رشیدی باشد که با وجود اینکه از جت عده خیلی کم هستند استمداد دادن عده زیادی قشون را داشته باشد بطور کلی نمیشود عده جمعیت هر محل با قشون آنها نسبت داده شود مثل اینکه بعضی از معاهدات استیم که تا بحال بواسطه اینکه آنها را مشغول یک کار های دیگری کرده بودند و بواسطه بعضی پیش آمد ها و نداشتن شرایط ازدادن سر باز معرووم بوده اند و بمسک بعضی از محل ها بواسطه بعضی عادات یا بواسطه سرحدی بودن و شجاعت عده زیادی قشون میداده اند از این قضیه هم بنده صرف نظر میکنم و با وجود عدم مخالفتی که با پیشنهاد آقای امام جمعه دارم عرض میکنم اصلاً مذاکره این پیشنهاد در ضمن کلیات این قانون وارد نیست اشکال من در اینجاست بجهت اینکه این قانون برای قشون دیگری نوشته شده است بملکه این نکته هم باید گفته شود که در هیچ یک از مواد این قانون تقسیم عده کل بمحل ها نشده است که ما میتوانیم در ضمن مباحثه و تقسیم عده کل محلها بگوئیم کجا زیاد است یا کجا کم است بنده شاید با آقای حاج امام جمعه خیلی هم موافق باشم ولی در اینکه این عده زیاد است یا کم است یا کافی است بالاخره وقتی خواستم رأی بگیریم و نتیجه بگیریم نمایانم این پیشنهاد و این ماده باید بکجای این قانون جیسانده شود اگر گفته شود این ماده یک ماده العاقبه راجع به عده قشون آذربایجان خواهد بود بعد بنده هم عرض خواهم کرد که یک ماده العاقبه هم در خصوص عده قشون خراسان باید پیشنهاد شود یکی دیگر هم خواهد گفت که من هم یک ماده العاقبه راجع بقشون مازندران پیشنهاد میکنم و آنوقت این یک چیزی است که خارج از قانون قشون گیری خواهد بود در قانون قشون گیری باید اساس قشون گیری معین بشود و اگر لازم باشد عده را معین کنند باید بیک لایحه دیگری که اسم آن بودجه دروزارت جنگ است مجوز شود در ضمن آن بوده عده قشون معین شود و با وجود اینکه باید این مطلب در ضمن بودجه وزارت جنگ معین شود معینا برای احتیاط در این جا یک ماده گذاشتیم که عده قشون صد هزار نفر باشد ولی تقسیم آنرا در موقع شور این قانون نباید معین کرد بلکه تقسیم قشون در مورد دارد لاغیر یعنی هر کس یا هر نماینده بخواهد میتواند عده نفقات قشون محل خودش را جرح و تعدیل کند ولی این چه وقت است باید وقتی است که تعدیل و میزبی کل بکند و عده قشون هر جائی را مطابق مالیات آن محل تعیین کنند یا وقتی وزارت جنگ مطابق یک ماده از این قانون صورت صد هزار نفر را معین

کرد و آنصورت را بمجلس تقدیم نمود آنوقت باید در آنجا جرح و تعدیل کرد و گفت فلانجا عده قشون زیاد است و فلانجا کم است و الا در این قانون که قانون اساسی قشونگیری است میشود عده قشون نقاط را مین کرد در لایحه دیگر هم ممکن است این کار را کرد و آن بوده وزارت جنگ است که از آن رو بکلیه قشون حقوق محلی داده میشود یعنی وقتی در بودجه وزارت جنگ مذاکره میشود در ضمن مباحثه بودجه که حقوق هر دسته یا فوجی معین میشود ممکن است عده قشون جرح و تعدیل کرد و از عده فلانجا کاست یا بعهده فلان نقطه افزود پس وقتی نقطه نظر بخواهیم نگاه کنیم بدون اینکه يك ذره با اظهارات آقای حاج امام جمعه اظهار مخالفت کرده باشیم متعجبم که بالاخره بعد از تمام این مذاکرات این ماده در کجای این قانون باید نوشته شود آیا وقتیکه باید برای در کلیات این قانون گرفته شود میتوان برای يك همچو اشکالی این قانون را رد کرد؟ خیر نمیشود پس بالاخره این اشکال يك اشکالی است که بر فرض هم وارد باشد جایش در این قانون در ضمن شور در کلیات این قانون نیست بلکه جایش چنانچه عرض کردم یا در آن صورت کلی است که وزارت جنگ باید مرتب بکند و مجموع صد هزار نفر را تقسیم کند یا در بودجه است و بالاخره در خامه عرایض خود عرض میکنم خوبست مجلس شورای ملی يك مدافعی برای این لایحه هم تعیین کند بجهت اینکه آقای مخبر خودشان باین پیشنهاد موافق نیستند و این لایحه مدافع ندارد.

**رئیس** - آقای حاج امام جمعه يك ماده الحاقیه پیشنهاد کرده اند و خودشان هم مفاد آن پیشنهاد را گفتند و چون مفصل نبود قرائت نشد حالا اگر لازم باشد قرائت میشود بعد مذاکره می کنیم و چون بنده دردم آقای مخبر موافقت و مدافعی نیست و اذهان آقایان هم حاضر نیست عرض کردم بماند برای جلسه دیگر.

**حاج امام جمعه** - خوبست بفرماید پیشنهاد ما بجاوانند.

**رئیس** - آقای حاج امام جمعه پیشنهاد می کنند که رأی در کلیات بماند برای جلسه دیگر تا ماده الحاقیه بمجلس بیاید و تکلیفش معلوم شود رأی میگیریم آقایانیکه این پیشنهاد را قبول می کنند قیام نمایند.

(عده قلبی قیام نمودند)  
**رئیس** - درنده ماده الحاقیه قرائت میشود.  
(بعضیون ذریل قرائت شد)

ماده الحاقیه پیشنهاد شده است از طرف قشون در آذربایجان وزارت جنگ مصالحه بکنند خواهی نمود.  
**حاجز الممالک** - بنده متأسفانه مخالف هستم که يك همچو ماده باین سرباز گیری الحاق شود و اینکه آقای حاج امام جمعه فرمودند این مطلب خیلی ساده است بفرموده بنده اینطور نیست و تصور این مطلب را اینطور کوچک و ساده تصور کرد برای اینکه باید پیشنهادی که از طرف يك نفر یا از سه نفر دولتی گرفته شود نصف باشد قشون آذربایجان تخفیف داده خواهد شد و به نظر من که فرمودند اگر قشون آذربایجان در نتیجه سی هزار نفر باشد اگر باین پیشنهاد بدون نام رای بدیم بازنده

هزار نفر از این سی هزار نفری که تا بحال معمول بوده است و بولت خدمت می کرده اند حذف می شود و آنها را از خدمت معاف می کنیم پس این يك چیز بسیار مهمی است والیه همینطور که بنظر مبارک آقا رسید توضیح دادند بنظر بنده هم باید خیلی توضیح داده شود تا افکار آقایان نمایندگان حاضر شود بنده هیچ نمیتوانم تصور کنم که يك تعدیل تازه بآذربایجان میشود بجهت اینکه مساکه امروز نمیخواهیم برفشون آذربایجان چیزی اضافه کنیم که باینم رای بدیم و بازنده هزار نفر از قشون آذربایجان را کم کنیم همینطور که آقا فرمودند اگر از اهالی آذربایجان بیروسیم حاضر هستیم سرباز خودتان را بفرستید یا نه؟ در صورتیکه معمول بوده است و میداند اند خواهند گفت خیر نمیتوانیم بدیم همینطور اگر از آن نقاط هم که میخواهیم این بازنده هزار نفر را بآنجا تعدیل کنیم سؤال کنیم حاضر هستید یا نه؟ همین است جواب منفی آنها خیلی بیشتر خواهد بود بجهت اینکه تا بحال نمیداده اند والیه حالا هم نمیخواهند بدهند بنده عرض میکنم سخت ترین قشون افراد قشون آذربایجانی بوده است برای اینکه قشون آذربایجانی بیاید از آذربایجان بیرو شهر میرفت و در آنجا خدمت میکرد و در واقع يك همچو سربازی نافذ است که اینطور خدمت کند ما حضوراً قلم (۹) روی آنها بکشیم و آنها را از خدمت معاف کنیم اگر هم نقطه نظر خرابی املاک است و میفرمایند يك قسمت از آذربایجان صدمه دیده است و قادر نیست سرباز بدهد ماده ده جبران این مسئله را میکند برای اینکه ما رأی دادیم هر جانی قادر نیست سرباز بنیچه خودش را بدهد وزارت جنگ با نظر وزارت مالیه آنجا را از دادن سرباز معاف نمایند اما اینکه فرمودند مخارجی که دولت میدهد کافی نیست و سرباز نمیتواند با آن حقوق خدمت کند عرض میکنم نباید تصور کرد حقوقی را که امروز دولت به سرباز میدهد غیر از آن حقوقی است که سابقاً میداد و سرباز مجبور بود بعضی کارهای دیگر بکند و امروز دولت يك حقوق کافی بسرباز میدهد و البته حقوق آنها مطابق بودجه وزارت جنگ خواهد بود و مسلم است قشون را که دولت تحت سلاح خواهد آورد البته قدری بآنها حقوق خواهد داد که میتواند براحتی زندگانی کند پس اگر نظر بمثل مساوات و آن اظهاراتی که آقا فرمودند باشد این مطلب مربوط باین لایحه نیست و باید بموجب يك ترتیب جدیدی مثل سبزی و تعدیل قوای نظامی باشد والیه هم نمایندگان حق دارند پیشنهاد کنند هم دولت حق دارد پیشنهاد کند و هر موقعی يك همچو لایحه بمجلس بیاید باید بدقت ملاحظه همه را بنماییم عده نفوس را ملاحظه کنیم مالیات را ملاحظه کنیم و همانطور که آقای سردار معظم توضیح دادند حیثیات اخلاقی و سرحدی همه آنها را ملاحظه کنیم و ببینیم میتوانند تحت سلاح بیایند و قشون بدهند یا نمی توانند؟ حالا باید این صد هزار نفر قشون بطور کلی تصویب شود بفرموده قشون همه جا در نظر گرفت قشون آذربایجان را هم در ضمن آن مطرح مذاکره قرارداد که آقا باینهمه حال باقی باشد یا باید کمتر باشد یا بیشتر باشد ولی امروز که ما میخواهیم در کلیات این قانون رای بدیم موافق اینکار نیست زیرا ما نمیخواهیم يك چیز جدیدی بجای تعدیل کنیم که بگوئیم این

قسمت از مملکت باید معاف باشد ما امروز میگوئیم اساس بنیچه که تا بحال معمول بوده والیه از روی يك مدل و انصاف بوده است معمول باشد پس میشود گفت چون فلانجا قشون زیادتر میداده معاف باشد شاید نسبت بجایهای دیگر مالیات کمتر میداده پس امروز نمیشود گفت چون آذربایجان از روی عده نفوس بیشتر از همه جا قشون میداده است حالا از دو نفر یک نفر گرفته شود و یکمرتبه بیاییم ۱۰ هزار نفر آنرا تخفیف بدیم بر فرض که آمدیم و تخفیف دادیم آنوقت این بازنده هزار نفر را بیکجا تعدیل کنیم بملاوه گمان میکنم این تعدیل تنها به آذربایجان نبوده است بلکه سایر جا ها هم اینطور بوده است مثلا عراق پنج فوج میدهد اما کردستان يك فوج میدهد در صورتیکه معلوم نیست عده نفوس کردستان کمتر از عراق باشد شاید بیشتر هم باشد پس این يك ترتیب جاری است و امروز ما نمیتوانیم پیشنهاد کنیم دو فوج عراق بکردستان تعدیل نشود زیرا اینصطوب يك چیز تازه است و حقیقه بدون وقت کامل و بدون يك مدافعه زیاد نمیشود همچو رأی داد که يك قسمت قشون از یکجایی حذف شود ربه يك جای دیگر تعدیل شود ولی فردا که عده قشون پیشنهاد میشود ملاحظه خواهند فرمودند که افراد ماها نسبت به بیکمه سربازی که بیک ده تعدیل شود چه مخالفت ها خواهیم کرد پس امروز نمیشود این قشون را حذف کرد و باید بکلیات این لایحه رای داد و مقرر کرد که وزارت جنگ بوافق این قانون بر طبق معمول سابق از بنیچه هر محلی قشون بگیرد منتها اگر دولت باید همین کند از روی عدل و انصاف و تناسب باشد باید بواسطه ارایج دیگر این اشکال را رفع نماید و الا بواسطه این ماده که امروز پیشنهاد شده نمیشود بازنده دوازده قشون را لغو کرد با بکلیات این قانون رای نماد.

**حاج امام جمعه** بنده که در اول مجلس خیلی کم عرض میکردم گمان میکنم حالا باید عرض همه را تلاقی کنیم اولاً آقای سردار معظم فرمودند این مطلب بکجای کلیات این قانون مربوط است عرض میکنم بیک از مواد این قانون میشود مطابق بنیچه سابق سرباز گرفته شود بنده در اینجا مخالفم و عرض میکنم این ماده نسبت بیک صقع مملکت تعدی است و عرض دیگری که دارم این است که هر قانونی که میخواهند وضع کنند و در مملکت جریان داشته باشد ندر ایران بلکه در تمام دنیا همینطور است تا باینه و اساس بر روی عدل و انصاف وضع شود یا اجرا شود آقا میفرمایند چون آذربایجان تا بحال اینقدر قشون داده است باید بازم همانقدر را بدهد؟ تمام فلسفه فرمایشات شما را که در اول مغرب تا بحال گوش میکنم فقط این است که چون سابق آذربایجان این مقدار قشون را میداده است حالا هم باید بدهد فلسفه را بنده نتوانستم بفهمم عرض میکنم اگر بنا بود تمام کارهایی که تا امروز میشد تصویب کنیم پس این چه اوضاعی بود این اساس برای این بود که هر کدام از کارهای سابق بی فایده است تغییر پیدا کند بن جواب میدهند که چون آذربایجان تا بحال آنقدر قشون میداده حالا هم باید بدهد شمارا بغدا و بانصاف و وجدان خودتان قسم میدهم این جواب من است من میگویم شما که میگوئید مملکت مشروطه است مساوات است تا بحال

بآذربایجان تعدی میشده حالا نباید تعدی کرد شما چه میگوئید اینکه آقای سردار معظم گفتند پاره ملاحظاتی در قشون گیری ملاحظه میشود البته من هم قبول دارم پاره ملاحظاتی میشود اما نه باین درجه که بگوئیم يك متن مملکت بیش از ثلث قشون آن مملکت را بدهد اینکه میفرمایند این قشون را برای حفظ خود آذربایجانی میخواهیم البته من هم تصدیق دارم قشون در مملکت برای محافظه مملکت است از همه جا بیشتر بگیرد از آنجا هم بیشتر بگیرد اینکه میگویند از هیچ جا نمیگیریم یا نمیتوانیم بگیریم باید بانجا تعدی کنیم شهادت و رسوله ظلم است باوصف این اگر من میدانستم این قشون برای مملکت قشون میشد میگوئیم تکفاریتجال ده سال آذربایجانی در تحت فشار باشد تا يك ترتیبی داده شود اما میدانم نمی شود اما اینکه آقای حاج مر الممالک فرمودند ماده دهم جبران آزا میکنند حاج شجاع الله خوب گفتند ماده دهم میگویند اگر جانی خراب باشد از همان حوزه باید گرفت اینقدر را هم تصدیق ندارید که این حوزه فلک زده و بران شده است؟ ای مسلمانان آخر هم مطمئنید چرا بیک نمیگه بد بلی یا نه آقا چرا هیچکدام تصدیق نمیکنید آقا اینرا تصدیق دارید که خیلی از دهات آنجا و بران شده است؟ یا تصدیق ندارید؟ اگر تصدیق دارید سرباز بنیچه آنجا را کجا باید بدهد؟ آخر مسلمانان بکندری ملاحظه کنید من نمیگویم باید طوری قانون را وضع کرد که مجری شود اگر فقط میخواهد روی کاغذ باشد من هیچ حرفی ندارم اما اگر میخواهد مجری شود این ترتیب قابل اجرا نیست اینکه آقای حاج مر الممالک فرمودند با این رای چهارده بازنده هزار نفر قشون می افتد بنده هم میدانم می افتد بلکه میگویم افزوده است نه اینکه می افتد و مقصود این است که بیجهت ماورین وزارت جنگ اشخاص فلک زده را که تا دو ماه نمیتوانند عرایض خود را بمجلس شورای ملی بیاورند و زوار برسانند در تحت فشار نیاورند مقصود این است همانطور که عرض کردم در مملکت مشروطه حاکم قانون باشد و دیگری مجری آن باشد اما می بینیم که این قانون نمیتواند حاکم باشد و شما نمی توانید از ده و بران سرباز و خراج بگیرد باز شما میفرمایند باید در این قانون رای بدیم و مجری شود بسیار خوب من که در مقابل اکثریت نمیتوانم بگویم و اما اینکه میفرمایند در کلیات رای بدیم و این ماده الحاقیه را برای بعد میگذاریم معنی این است که باید باین قانون رای بدیم و این فلک زده های آذربایجانی را بعد از این همه فشار ها باز بیک فشار دیگری بیندازیم در اینصورت اگر مجلس شورای ملی این را با اکثریت تصویب کرد من بگویم چه میتوانم بکنم.

**معاون وزارت جنگ** - ده و بران طبعاً از مالیات و سرباز همه چیز معاف است وزارت جنگ هم هر قدر بخواهد بگیرد نمیتواند یکدسته ملائکه هم بیاورد سوره هم داشته باشند باز نمیتوانند بگیرند پس يك قانونی که ده بازنده جلسه مجلس مقدس را بخورد مشغول کرده و بیک صورت معقولی خاتمه پیدا کرده امروز نماینده وزارت جنگ پیشنهاد می کند مجلس رای قطعی خودش را بدهد و اگر پیشنهادی

هم در این موضوع دارید بیانچه نماینده خراسان اظهار کردند بفرستد بکمیسیون در آنجا مطالعه میشود بملاوه این را هم بدانند که بنده نمیتوانم يك سرباز آذربایجانی را بده نفر سرباز یزدی بدل کنم لهذا باید این قانون بگذرد و پیشنهاد های راجع باین تحقیقات باید در کمیسیون که در آنجا مذاکره شود و البته وزارت جنگ در ضمن بودجه ترتیبی که لازم است صورت خواهد داد.

**رئیس** - آقای نظام السلطان پیشنهاد کرده اند چون راجع به دستور است قرائت میشود رای میگیریم (باین مضمون قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه بنده پیشنهاد میکنم که در کلیات قانون سرباز گیری رای گرفته شود و این پیشنهاد بماند تا طرح قانونی آن طبع شود و بکمیسیون برود.

**نظام السلطان** - بلی.

**رئیس** - پس لازم برای گرفتن نیست چون تصور کردم نوشته اید (رای گرفته شود)

**سردار معظم** - چون گفته شد بگانه دلیلی که در اینجا اقامه شد سابقه بود و هیچ دلیل دیگری نبود بنده میخواهم چند کلمه دیگر عرض کنم و تصور میکنم این دلیل را اقامه نکردم بنده سابقه را در قشون گیری دلیل نمیگویم و مدخلیت نمیدهم عرض میکنم هیچ سابقه در کار نیست و این پیشنهاد هم پیشنهاد خیلی خیلی خوبی باشد با این وصف جای این پیشنهاد اینجا نیست بجهت اینکه مذاکره راجع بکلیات قانون قشون گیری است و در هیچیک از مواد این قانون تقسیم قشون را بولاتی ذکر نکرده است که در خصوص آذربایجان يك همچو رأی بدیم بلی در بعضی مواد اشاراتی هست بلکه بطور تصریح گفته شده است از چه محلها باید قشون گرفته شود ولی بعضی مواد هست که از این اشکالات جلوگیری میکند اگر چه مقتضی این بود که کلیتاً عده قشون در این لایحه معین نمیشد بهمت اینکه سال بسال قوای مملکت در تغییر است و ممکن است یکسال دولت توانائی داشته باشد صد و پنجاه هزار نفر حقوق محلی بدهد و یکسال دیگر به هفتاد و پنج هزار نفر بدهد بنابراین بهتر بود در قانون عده قشون قید نمیشد ولی حالا که مقید شدیم صد هزار نفر باشد دیگر تصور میکنم صلاح بماند باین ترتیب که بوزارت جنگ مراجعه شود البته تمام نمایندگان موافق هستند که امشب در کلیات قانون قشون گیری رای داده شود و در ضمن یکی از دو صورت یعنی یا در ضمن بودجه کل وزارت جنگ و یا در ضمن صورت کلی که در تقسیم این چند صد هزار نفر نوشته میشود مطالبی بکنند و اگر آذربایجان مستحق تخفیف است چنانچه بفرموده بنده مستحق هم هست آنوقت در ضمن یکی از این دو صورت آن تخفیفات را ملاحظه و منظور کنند پس بهتر این است این مسئله را موکول بقانون قشون گیری بکنیم و امشب در کلیات این قانون رای بدیم.

**معاون وزارت جنگ** - وزارت جنگ هم در این پیشنهاد نمیتواند رای بدیم بجهت اینکه باید ملاحظه و دقت های لازمه را بکنند و خلاصه

بکماده دیگر هم تکلیف قشون کرمان را معین کنیم و در تحت بکماده دیگر تکلیف قشون خراسان را معین کنیم و آنوقت مجبور خواهیم شد آن چیزهایی را که نباید در یک قانونی ذکر شود در اینجا ذکر کنیم و البته از هر نقطه نظری تصور بفرمایند غلط خواهد بود و با اینکه ممکن است بنده کمال موافقت را با آقای حاج امام جمعه داشته باشم بهیچوجه نمیتوانم در اینصورت رای بدیم بواسطه اینکه من حالا بطور تحقیق میدانم کلیه آذربایجان چقدر جمعیت دارد و صورت دستجات آنجا چه چیز است و نمیدانم آیا در پهلوئی آن دهاتی که قشون میداده اند و حالا خراب شده دهاتی آباد شده است یا نه؟ بنا بر این بنده نمیتوانم از روی صحت رأی بدیم بجهت اینکه ممکن است بعضی نقاط دیگر باشند که مستحق تخفیف باشند و آنوقت بعضی نقاط آذربایجان را که فرض کنیم در درجه دوم مستحق تخفیف باشد پس بطور کلی نمیشود در این قانون عده را معین کرد در این صورت يك تعدیات و يك تعدیلات خصوصی ممکن است باقی بماند که پس از گذشتن این قانون باید از آن تعدیلات جلوگیری شود برای این مسئله هم ماده دهم این قانون بخوبی پیش بینی کرده است و لابد مجلس بهیچیکه خراب است و استعداد دادن سرباز را ندارد وزارت مالیه و وزارت جنگ تحقیقات خودشان را میکنند و بآن محل تخفیف میدهند بلی در این ماده ذکر شده است که عرض سرباز از همان حوزه گرفته شود ولی با این وصف این مطابق همین ماده ممکن است در عمل يك حوزه هم معاف شود چرا؟ بجهت اینکه وقتی گفتیم بنقاعی که استعداد ندارند تخفیف داده میشود ممکن است تمام نقاطی که داخل در یک حوزه هستند مستحق تخفیف باشند که احوالقه بآنها تخفیف داده شود پس از این نقطه نظر هم برای رفع تعدیلات خصوصی ماده دهم کافی است و هیچ تعدیل فوق الطاق بآذربایجان یا جای دیگر تعدیل نخواهد شد و از همین نقطه نظر هم اگر نگاه کنیم محتاج به پیشنهاد ثانوی نخواهد بود که این قانون را تکمیل کند این نکته را هم نباید گفته بگذاریم چون همانطور که آقای حاج مر الممالک فرمودند بیک قیام و قعود نمیشود یکده کثیری قشون را حذف کرد در صورتیکه مردم هستیم آن عده قشون را از چه محل خواهیم گرفت پس بهتر این است پیشنهاد آقای حاج امام جمعه مسکوت عنه بماند باین ترتیب که بوزارت جنگ مراجعه شود البته تمام نمایندگان موافق هستند که امشب در کلیات قانون قشون گیری رای داده شود و در ضمن یکی از دو صورت یعنی یا در ضمن بودجه کل وزارت جنگ و یا در ضمن صورت کلی که در تقسیم این چند صد هزار نفر نوشته میشود مطالبی بکنند و اگر آذربایجان مستحق تخفیف است چنانچه بفرموده بنده مستحق هم هست آنوقت در ضمن یکی از این دو صورت آن تخفیفات را ملاحظه و منظور کنند پس بهتر این است این مسئله را موکول بقانون قشون گیری بکنیم و امشب در کلیات این قانون رای بدیم.

**معاون وزارت جنگ** - وزارت جنگ هم در این پیشنهاد نمیتواند رای بدیم بجهت اینکه باید ملاحظه و دقت های لازمه را بکنند و خلاصه

استدلالاتی که قیلا عرض شد حاکی بر این مطلب است

رئیس - اگر امشب در این پیشنهاد رای بگیریم رای قطعی نخواهد بود در قابل توجه بودن آن رای خواهیم گرفت حالا مذاکره کافی است یا کافی نیست؟

**حاج امام جمعه** - چه عیب دارد ارجاع بفرمائید بکمیسیون که نماینده وزارت هم بیاید در اینجا مذاکره شود

رئیس - این پیشنهاد با همان پیشنهادیکه آقای مخبر و نظام السلطان و جمعی دیگر امضا کرده اند بفرستیم بکمیسیون و امشب در کلیات رای بگیریم آن ماده العاقبه که آقای مخبر و سردار معظم و سلیمان میرزا و حاج عزالمالک پیشنهاد کرده بودند و رای دادیم چون بعد از ماده دهم است عاده یازدهم خواهد شد و ماده هفدهم هیچدم می شود آقاییکه این قانون قشون گیری را که دوشور شده و مشتمل بر هیجده ماده است و مواد آن را یک یک تصویب فرموده اند بطور کلی تصویب بفرمائید قیام نمایند

( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد عتلاً قانونی که حاضر باشد و جزء دستور بگذاریم غیر از تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری نیست ولی قوانین خیلی مهم دیگری در کمیسیون قوانین مالدیه و کمیسیون بودجه هست از اعضاء کمیسیون قوانین مالدیه و کمیسیون بودجه خواهش میشود که مرتباً جلسات خود را منقطع نکنند و آن قوانین را هر چه زودتر بپسند بفرستند قانون فروش ترانزاکشن هارا هم که اینقدر اصرار کردند بپسند فرستاده شود فرستاده اند ولی مدتی است در کمیسیون مانده است و چون اهمیت دارد خوبست زودتر رایورنش را بپسند

**نظام السلطان** چون فرمودند غیر از قانون تشکیلات وزارت جنگ چیز دیگری حاضر نیست عرض میکنم بنده قانون ترفیع رتبه نظامی داخلی مهم میدانم و عرض میکنم بقای نظام و ثبات آن بسته به قانون ترفیع رتبه نظامی و اگر این قانون ترفیع رتبه بپسند میآید و بگذرد تمام این بیانات راجع به نظام روی کافت خواهد بود و این قانون بی نتیجه خواهد ماند

**سردار معظم** - چون فرمودند قوانین مهمی بکمیسیون قوانین مالدیه ارجاع شده و تاکید فرمودند زودتر رایورت داده شود اجازه میروا هم توضیحاً عرض کنم که قانونی در کمیسیون قوانین مالدیه نیست سه فقره قانون بکمیسیون قوانین مالدیه رجوع شد یکی قانون تبدیل مالیات خالصه جات انتالی بارپایی و یکی قانون فروش خالصجات و دیگری قانون استقراض داخلی قانون فروش خالصجات و استقراض داخلی موکول باین شد که دولت محل خرج این دو قانون را بکمیسیون پیشنهاد کند تا کمیسیون بتواند در این قانون رای بدهد و چون تا بحال از طرف دولت پیشنهاد نشده است کمیسیون نمیتواند داخل در مباحثه آن دو فقره قانون بشود و اگر مجلس منتظر است این دو فقره قانون بپسند بیاید لازم است از طرف هیئت رئیسه تاکید بدولت شود که مطابق قرار داد رفتار نمایند قانون تبدیل مالیات خالصجات انتالی هم از طرف دولت تقاضا شد مسکوت عنه بماند برای اینکه بک صورت مبسوطتری

از خالصجات که فروخته شده و صورتی از مالیات آنها بدهید که کمیسیون از روی بصیرت بتواند اظهار عقیده کند در این باب هم لازم است امر بفرمائید بدولت تاکید شود و آن دو صورت را زودتر بفرستند چیزهای دیگری هم که بکمیسیون رجوع شده بود یکی نظامنامه استخدام بود بجهت استخدام قانون تشکیلات مالدیه بپسند فرستاده بودند و یکی دیگر هم بعضی نظامنامهها راجع به تجدید تریاک بود و چون اینها مربوط به کمیسیون نیست کمیسیون مصمم شده است پس بفرستد و بنظر خود دولت واگذار کند

رئیس - عجله چیزی را که بتوانیم جزو دستور قرار دهم قانون تشکیلات وزارت جنگ است چند فقره تقاضای مرخصی هم شده است باید رای بگیریم آقای شریعتمدار برای اینکه مرضخانه بروند تقاضای بیست روز مرخصی کرده اند و آقای خان باباخان تقاضای یازده روز و آقای میرزا محمد نجات سه ماه مرخصی خواسته اند رای بگیریم آقاییکه مرخصی بیست روزه آقای شریعتمدار را تصویب بفرمائید قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد آقاییکه مرخصی ۱۰ روزه آقای بابا خان را تصویب بفرمائید قیام نمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد - آقاییکه مرخصی سه ماهه آقای میرزا محمد نجات را تصویب میکنند قیام فرمائید

( معدودی قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد

**عماد السلطنه** - پس از انتخاباتی که برای حاضر شدن بودجهها شد عجله سه چهار فقره بودجه در کمیسیون حاضر شده است و متأسفانه آقایان با هیچ حاضر نمیشوند یا خیلی دیر حاضر میشوند و تمام بودجهها بعهده تعویق افتاده است و جای بسی تأسف است که آقایان این امر مهم را مورد دقت قرار نمیدهند خوب است یک تاکید بفرمائید که آقایان در موقع انعقاد کمیسیون حاضر شوند و این بودجهها زودتر تمام شود

رئیس - چون آقای رئیس کمیسیون حاضر نیستند البته برای جلسه آتی جوایش را تهیه نموده و میگویند جلسه آتی روز پنجشنبه دو ساعت قبل از غروب دستور هم قانون تشکیلات وزارت جنگ خواهد بود

( مجلس تقریباً دو ساعت از شب گذشته ختم شد )

**جلسه ۷۹**

**صورت مشروح مجلس روز پنجشنبه ۲۵ ذی حجه الحرام ۱۳۲۷**

مجلس یک ساعت و نیم قبل از غروب تحت ریاست آقای مؤمن الملک تشکیل و صورت مجلس روز سه شنبه بیست و سوم ذی حجه قرائت شد

فائین با اجازه

غائبین بی اجازه

رئیس - آقایان صدر الملک و آقای دکتر لقمان با اجازه غائب بوده اند تصحیح خواهد شد ملاحظات دیگری در صورت مجلس هست؟

**سردار معظم** - در صورت مجلس نوشته شده است که در جلسه گذشته بنده عرض کرده ام قانون

تبدیل مالیات خالصجات انتالی را وزارت مالدیه پس گرفته است باید بوزارت مالدیه تاکید شود که دوباره پس بفرستند بنده اینطور عرض نکردم عرض کرده ام قانون تبدیل مالیات در کمیسیون است و کمیسیون منتظر این است وزارت مالدیه یک صورت مشروحی از خالصجاتی که فروخته شده است مبسوطاً بپسند بفرستند عرض نکردم وزارت مالدیه پس گرفته است یک میث دیگر که اینچنان نوشته شده است این است که قانون استخدام بپسند خواهد آمد غیر اینطور نیست زیرا لایحه قانونی نیست که بپسند بیاید نظام نامه استخدام است و بپسند هیچ مربوط نیست و بپسند هم نخواهد آمد

رئیس - اصلاح میشود دیگر ایرادی نیست؟ ( اظهاری نشد ) دستور امروز اولاً شور در قانون تشکیلات وزارت جنگ و ثانیاً انتخاب کسری کمیسیون ها ولی چون آقایان پس از ختم جلسه فراموش می کنند انتخاب کنند اگر مخالفی نباشد قبلاً شروع کنیم بانتخاب کسری اعضاء کمیسیونها آنهم در خارج دو نفر نظار معین میشوند در خارج شروع بانتخاب میشود ( در این موقع آقای میرزا اسدالله خان استقراع نمود و آقایان رفعت الدوله و مرآت السلطان )

( بحکم قرعه برای استخراج آراء معین گردیدند )

رئیس - آقایان رفعت الله و مرآت السلطان برای گرفتن آراء بخارج شریف بیرند کسری اعضاء هم اقرار است که عرض میکنم بکنفر برای کمیسیون عدلیه بجای آقای سیدفاضل که در کمیسیون بوده اند و آقای شیخ محمد جواد برای کمیسیون راجع بخزانهداری یک عضو هم برای کمیسیون خارجه بجای آقای میرزا محمد علیخان بکنفر دیگر هم بجای آقای امزاز السلطنه برای عضویت کمیسیون قوانین مالدیه

**سردار معظم** - نظر باینکه اعضاء کمیسیون رسیدگی بحساب خزانه داری مکرر انتخاب شده است و مکرر اعضاء آن استعفا داده اند باز حالا اگر بکنفر بی جهت انتخاب کنند و باز استعفا کند بالاخره این استعفا یاد در ضمن جریان امر سبب میشود که خود مقصود از میان برود آیا بهتر نیست که هرگز نمایندگان که خودشان هم داوطلب هستند اعلان کنند که سایرینهم آنها را انتخاب کنند هر روز مسئله استعفا نباشد؟

رئیس - مذاکره در کلیات قانون تشکیلات وزارت جنگ است خوب است آقایان اعضاء کمیسیون نظام شریف بیآورند در ردیف اول بنشینند در کلیات این قانون مخالفی هست یا نیست؟ ( اظهاری نشد ) معلوم میشود مخالفی نیست رای میگیریم داخل در شور مواد بشویم یا نه؟ آقاییکه تصویب میکنند داخل در شور مواد شویم قیام نمایند

( عده کثیری قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد در ضمن شور قانون آقایان برای انتخاب اعضاء کمیسیون بخارج شریف خواهند برد ولی بکنفر شریف تبرئه کرده برای ملاکرات کافی نباشد مادامول قرائت میشود

( بمضمون ذیل قرائت شد )

ماده اول - وزارت جنگ به تسهیلات ذیل منقسم میگردد

( ۱ ) دایره وزارتی کابینه وزیر منقسم بدوشبه میشود، شبه تحریریه شبه پرسنل

( ۲ ) اداره نظام عبارت است از : مکتب

نظامی - تعلیمات عمومی از نوزده تا بیست و یک سوره نظام

( ۳ ) اداره مهمات باشمات ذیل، فور خانه ذخیره - تدارکات - اداره محاسبات دارای دوشبه است شبه محاسبات - شبه خزانه نظام - اداره صحبه منقسم بدو شبه میشود - شبه مریشخانه - شبه دواخانهای نظامی ۶ محاکمات نظامی

رئیس - آقای سردار معظم در ماده اول مخالف هستید؟

**سردار معظم** - بلی یک قسمت از اشکالات بنده اصلاح عبارتی است که در واقع مربوط بساده نیست یک قسمتش مربوط بمعنی ماده است و یک قسمت هم مربوط است بعضی شعبیکه در این ماده ذکر شده بعقیده بنده بهتر این بود که بعد از گذشتن این قانون از مجلس نام تشکیلات وزارت جنگ مطابق این قانون باشد و آنچه خارج از این تشکیلات باشد دیگر قانونی نباشد پس بهترین بود که در ماده اول بنویشتند ( تسهیلات مرکزی وزارت جنگ ) بجهت اینکه ممکن است وزارت جنگ در ولایات تشکیلاتی داشته باشد که در این قانون پیشبینی نشده است دیگر اینکه در ضمن دایره وزارتی یک چیزی حذف شده است و آن وزیر جنگ و معاون وزیر جنگ است باید دانست که در کدام یک از تسهیلات وزارت جنگ وزیر جنگ و همایش معین میشود پس معلوم است که در قانون تشکیلات وزارت جنگ وزیر و معاون لازم نیست و الا همانقدر که در قانون تشکیلات وزارت مالدیه و معاون وزیر و معاون وزیر معارف کار مجلس گذشت وزیر و معاون وزیر راه و دایره وزارتی دیگر اینها هم خوب بود بنده میگرداند که دایره وزارتی مرکب است از وزیر و معاون یا مدیر کل و کابینه وزیر و آنوقت ممکن بود در ضمن تسهیلات خصوصی کابینه شبه تحریریه و غیره داشته باشد و از این نقطه نظر باید این مسئله اصلاح شود و دیگر اینکه در این ماده تسهیلات کلی و جزئی مخلوط شده است و بعقیده بنده اگر ای تسهیلات کلی یک ماده بخصوصی نوشته میشد و برای تسهیلات خصوصی بگذاشته میگردد تخصیص میشد خیلی بهتر و روان تر بود مثلاً وقتی ماده اول رجوع میکنیم تسهیلات کلی وزارت جنگ را میدیدیم یعنی نوشته میشد ماده اول عبارت است از دایره وزارتی و اداره نظام و اداره مهمات و اداره محاسبات و صحبه نظام و محاکمات و غیره آنوقت بگذاشته دیگر بطور ماده العاقبه نوشته میشد و در ضمن آن ماده تسهیلات جزئی هر یک از آن ادارات را ذکر میکرد پس اینطلب هم بعقیده بنده باید اصلاح شود یک مسئله دیگر این است که فقره پنجم منقسم بدو شبه شده است شبه مریشخانه ها و شبه دواخانها و بعقیده بنده این تقسیم هم خوب نیست بجهت اینکه حالا نمی شود گفت که دایره صحبه نظام فقط منحصر بر مریش خانهها و دواخانها است بنا بر این خوب است چیزی معین بکنم و بنویسم صحبه نظام حالا میخواید اداره صحبه باشد میخواید دایره صحبه باشد دیگر لازم نیست آنرا تقسیم کنیم و در قانون بنویسیم شبه مریش خانهها و شبه دواخانها و بعقیده بنده گویا در قانون اساسی یک وزارت خانه صحیح نباشد اینطور تقسیمات بکنیم این تقسیمات را باید برای موقع عمل گذاشت بنا بر این یک پیشنهادی کرده ام که این نظریات در اینجا ذکر شده است و ماده اول تقسیم به دو ماده می کنند این است که تقدیم مقام ریاست میکنم

**مدحت السلطنه** اینکه شبه خزانه نظام را جزو محاسبات نظام گذاشته اند بعقیده بنده بایستی همیشه شبه محاسبات از خزانه منقسم باشد برای اینکه پول و برات هر دو بدست بکنفر شاید صحیح نباشد باید پول در دست یکی باشد و حساب در دست بکنفر دیگر که او حواله بدهد و دیگری بپردازد تا در موقع تقشیش و کنترل بهتر بشود آنرا اداره کرد

**معاون وزارت جنگ** معاملات نقدی همه جا جزو قسمت محاسبات است ولی تدارکات جنس و ملزومات و اسلحه و ملبوس و غیره مربوط به قسمت تدارکات است اما محاسبه نقدی بیشتر مربوط بحسابات است وزارت جنگ هم این نکته را دقت کرده و اینطور پیشنهاد کرده است زیرا آن کسی که خزانه دار نظام است مستقیماً مسئول شخص وزیر جنگ است و وزیر شاهمی تا صد هزار تومان بدون اجازه وزیر جنگ تادیه نخواهد کرد ولی از طرفی روزیروز باید حسابش ابعسابات بپردازد در این صورت اگر مربوط بحسابات باشد سهل تر است زیرا اگر این را به تدارکات واگذار میکردیم گمان میکنم یک کسی که خودش پول داشته باشد خودش هم ملزومات رانیه کند صورت معقولی نخواهد داشت و اداره محاسبات بحساب هر دور رسیدگی خواهد نمود و همان نظر به که در اینجا ملحوظ است در اینجا هم ملحوظ خواهد بود

**حاج شیخ محمد حسن گروسی** - در فقره سیم از ماده مذکور است اداره مهمات باشمات ذیل قورخانه ذخیره تدارکات بنده تصور میکنم تشکیلات اداره مهمات از همین شبهاست که چیزی که مقایر با اینها باشد اگر مقصود این است حق عبارت این بود که مثل اداره محاسبات که نوشته شده است دارای دوشبه است اینها هم بنویشتند اداره مهمات دارای شبهاست ذیل است و اگر مقصود غیر از این است و اداره مهمات با شعباتی که ذکر شده جدا است این را هم هم توضیح بفرمائید که معلوم شود

**سردار سعید مخبر کمیسیون نظام** - خوب است مقرر بفرمائید دو ماده اول فقره بفرقه مذاکره شود که مذاکره هر کدام در موقع خودش بشود چون یکی از آقایان در فقره اول مذاکره میکنند و یکی دیگر در فقره سوم و باین ترتیب اسباب اشکال خواهد شد

رئیس - همین کار را میکنم - آقای مدحت السلطنه در فقره اول اظهاری دارید؟

**مدحت السلطنه** - خیر

رئیس - در فقره سوم آقای گروسی مخالفید؟

**حاج شیخ محمد حسن** - بلی بنده عرض خودم را کردم جواب بدهند

مخبر - بنده گمان میکنم مقصود یکی است و اینکه میفرمائید اصلاح عبارتی است ممکن است تصحیح شود و نوشته شود دارای شبهاست ذیل است

**حاج شیخ محمد حسن** - اگر مقصود یکی است فقط اصلاح عبارتی است بلکه این شکل مقایر معنی است و باید بطور صحیحی تغییر داده شود

رئیس - دو فقره چهارم مخالفی نیست؟

**مدحت السلطنه** - خزانه نظام که محل معتبری است که در سال یک مبلغ فوق العاده باینجا وارد میشود

و باید صرف بشود و باید يك اداره مستقل بنده باشد که اداره محاسبات بتواند موفق شود از او حساب بگیرد و او هم به آن حساب موفق شود بنا بر این عرض کردم حساب و پول نباید در دست يك نفر باشد و بایستی اداره محاسبات حواله بدهد و اداره خزانه به بپردازد و تصور میکنم در سایر نقاط هم خزانه نظام علیحده باشد منتها در تحت تقشیش و کنترل وزارت مالدیه است و چنانچه در قانون تشکیلات مالدیه اداره خزانه را بکنی از اداره محاسبات جدا کردیم در اینجا هم مجزا باشد که بتوانند به حساب او رسیدگی کنند و مقتضین بتوانند تقشیش کنند و البته اگر حساب در دست یک نفر و خزانه در دست شخص دیگر باشد بهتر است

**مخبر** - گمان می کنم اینطور نباشد که می فرمائید و خزانه نظام را نمی توان اداره قرار داد بجهت اینکه برای این کار جزئی نمی توانیم يك اداره قائل شویم برای اینکه خزانه نظام فقط يك صندوق کوچکی است که در وزارت جنگ است و پول از خزانه میآید داخل میشود و به قشون تقسیم میشود برای این کار نمیشود يك مقدار زیادی اجزاء و دفتر و غیره تهیه کنیم محاسبات يك دایره است خزانه هم يك دایره دیگری است و بکنی از هم دیگر جدا هستند منتها هر دو در تحت امر رئیس محاسبات خواهد بود اما اینکه فرمودند اداره محاسبات حواله میدهد اینطور نیست اداره محاسبات تشخیص می دهد که چه مبلغ باید داد آنوقت حواله او نوشته می میشود و بوزیر داده میشود وزیر جنگ حواله می دهد اداره محاسبات نمی تواند شخصاً حواله بدهد اینکه فرمودند در وزارت مالدیه اینطور نیست عرض میکنم وزارت مالدیه باید خودش تقشیش خودش را بکند اما در خزانه نظام اینطور نیست و از طرف وزارت مالدیه باید یک نامه بیاورد تقشیش کند بنا بر این ترتیب گمان می کنم ایرادی نداشته باشد

**مدحت السلطنه** - اینکه فرمودند خزانه نظام يك صندوق کوچکی است که پول داخل آن خواهد شد اینطور نیست و ملبوسها و پول داخل صندوق نظام میشود يك چیز کوچک نیست که يك پولی بریزند و بعد دوباره بردارند دخل فلان دکان نیست که دوازده دوازده پول در آن بریزند و بردارند بلکه کروور و ملیون پول داخل این صندوق می شود البته باید حساب داشته باشد و اجزاء داشته باشد کار کن باشد که بتواند بخوبی موفق شود حساب خود را بحسابات بدهد و مسلم است این اداره باید از محاسبات خارج باشد و بنده برای این مسئله يك پیشنهادی خواهد کرد

**حاج عزالمالک** - بنده تمجیب میکنم که خزانه نظام را بفرزانه داری و وزارت مالدیه مربوط میکنند در حالتی که در وزارت مالدیه ترتیب محاسبات و خزانه داری طوری است که لازم بشرح نیست و البته آقایان ملاحظه فرموده اند که وزارت مالدیه يك محاسبات مهمی دارد و باید حساب کلیه ولایات را بدهد ولی در وزارت جنگ اینطور نیست بودجه معین میکنند که چه وجهی باید بوزارت جنگ داده شود اداره محاسبات حساب آن وجه را که وزارت مالدیه میدهد و بر حسب حواله وزیر جنگ مطابق آن بودجه که از مجلس گذشته خرج میشود نگاهداری میکنند

در اینصورت يك اداره محاسبات جداگانه و يك خزانه نظام جداگانه که هر يك از آنها مأمورین علیحده بولایات بفرستند لازم نخواهد بود و غیر از خرج زیاد هیچ نتیجه دیگری ندارد و اسم خزانه نظام که از اول تابحال معمول بوده است عبارت از صندوقی است که جزء اداره محاسبات است و هر اداره محاسباتی صندوقی هم جزو خودش است مثل اینکه مامی پیتم در مجلس یا سایر وزارتخانه‌ها هم صندوقشان جزو محاسبات است اداره محاسبات خودش يك جمع و خرج علیحده ندارد که ما بگوئیم چون خزانه نظام پولی وصول میکند و پولی میدهد باید يك محاسبات جداگانه هم داشته باشد خزانه نظام آن وجهی را که در بودجه تصویب شود بگیرد و بر حسب حواله میپردازد باید حساب خودش را با اداره محاسبات بدهد این خزانه نظام که همان صندوق نظام خواهد بود باید يك شعبة از اداره محاسبات باشد

**سردار معظم** - اگر چه در اول و حمله بنده خواستم متعرض این مسئله بشوم زیرا قانون تشکیلات که از مجلس میگردد باید يك چیزی باشد که زیاد از مطالب دور نباشد اما این قانون تشکیلات که باین ترتیب نوشته میشود موقتی خواهد بود تا بعد از اصلاحات هیکل تری بشود معذرا این اظهاری که آقای مدحت السلطنه کردند بر بنظر غریب نماید و عقیده بنده يك اظهار بسیار متین بود میگویند يك اداره که خودش ایوابجعی دارد نباید محاسب خودش باشد و عقیده بنده این حرف بسیار صحیح است حساب تا ایوابجعی دو تا است يك اداراتی هستند که ایوابجعی دارند و پولی در دست آنها است و يك اداره دیگری است که باید حساب آنها را نگاهدارد مثلا اداره مهمات که در وزارت جنگ است برای چیست؟ برای این است که بالاخره با احتیاجات قشونی از دو نقطه نظر نگاه کرده اند یکی از نقطه نظر تملیکات و ترتیب است یعنی اداره نظام دارای شعبه مدارس و توپخانه و پیاده نظام و سواره نظام است و يك نظر دیگر راجع بلوازم قشون است یعنی علاوه بر تملیکات يك اداره دیگری هم در وزارت جنگ هست بطور آخری چون قشون محتاج يك (آلتانداس) است اسمش را اداره تدارکات و مهمات گذاشته اند و همینطور که يك اداره لازم است برای سرباز کفش و کلاه تهیه کند و همینطور که تفنگ و فشنگ و سایر لوازم قشونی را باید نگاهدارد چه ضرر دارد همانطور که بحساب يك فشنگ که محل احتیاج قشون است نگاه میکنیم يك تومان پول هم بهمان نظر نگاه کنیم و بگوئیم همانطور که اداره مهمات شعبه مختلفه از قبیل قورخانه و ذخیره و تدارکات تقسیم میشود يك شعبه خزانه هم باشد که پول در اینجا ضبط شود و بالاخره محاسبات يك اداره مستقل جدايی باشد که همینطور که حساب کفش و کلاه و تفنگ و فشنگ را نگاه میدارد حساب پول را هم که ایوابجعی دیگری است نگاه ندارد بلکه علاوه يك مسئله دیگر هم نباید فراموش شود این است که خزانه نظام آن خزانه نیست که همیشه يك پولی ایوابجعی او باشد تصور می کنیم اگر در قانون باین طور رأی بدهیم بتشکیلات و قوانین دیگری که ما داریم برمیخورد چون خزانه قشونی همیشه آن صندوقهای عمومی دولتی است که در وزارت مالیه موجود است و با افراد قشونی

**معمل الدوله** - از همه چیز بهتر تجربه است معلوم میکنم که تفکیک خزانه نظام چه فایده خواهد داشت و بنده با تجاربی که دارم هیچ نمیتوانم قبول کنم خزانه نظام جزء اداره محاسبات باشد بجهت اینکه ما باید تشخیص بدهیم که آیا صندوق نظام است یا خزانه نظام اگر فقط آن را يك صندوق نظام فرض کنیم یعنی محاسب و تجویلدار هر دو را یکی فرض کنیم دیگر گردانیده و شعبه برای اول لازم نیست اما اگر خزانه نظام فرض کنیم یعنی او را در ردیف یکی از تجویلدارهای جنسی مثل ذخیره و تدارکات فرض کنیم یعنی کسی است که وجوهاتی که ایوابجعی او میشود قبض و سند میدهد و در موقتی که میخواهد بپردازد بموجب حوالجاتی که وزیر جنگ امضاء میکند پرداخت خواهد کرد و او را يك همچو اداره فرض کنیم آنوقت هیچ مناسب نیست جزو اداره محاسبات باشد زیرا (بطور خلاصه عرض میکنم) همان حالی را باید خواهد کرد که الان دارد یعنی بعد از اینکه مبالغ گزینی بوزارت جنگ داده ایم الان نمیتوانیم چه داد، ایم وجه خرج شده و حسابش کجا است بنابر این بنده تصور میکنم برای وزارت جنگ يك خزانه دار نظام لازم است و گمان میکنم اینطور که آقای حاج هزمالک فرمودند (که شعبات مختلف در ولایات خواهد داشت و اسباب خرج خواهد شد) نباشد و بقیه دارم در ولایات هر قسمت و هر فوج و هر کوردار و هر دیویزیون خودش تعویب دار و محاسب نظامی خواهد داشت و هیچ مربوط بر مرکز نخواهد بود و امیسوارم آن عادات قدیم که داشتیم که در ولایاتی

چه در مرکز وجه در ولایات مطابق آن بودجه که برای آنها پیش بینی شده است تأدیبه میشود یعنی حواله آنها را مطابق بودجه وزیر مالیه امضاء میکند و بفرستد بوزارت جنگ و در داخله وزارت جنگ بر حسب امضای وزیر جنگ تقسیم میشود و چون اگر باین نقطه نظر نگاه کنیم مسئله خیلی کوچک میشود در ابتداء متعرض نشدم ولی اساسا مناقات نخواهد داشت که خزانه نظام جزء محاسبات نباشد

**معاون وزارت جنگ** - اینکه بنده متعزمت قائنات و سیستان اظهار فرمودم وزارت جنگ در این چند ساله بواسطه بی ترتیبی نتوانسته است حساب بدهد بنده قبول نمیکنم و همانطوریکه ایشان متوسل بتجارت شدند بنده هم متوسل بتجارب میشود در موقع وزارت جنگ آقای مصداق السلطنه و خزانه داری مستر شوستر باین نظر سوئی خزانه نظام را لغو کردند و از آن روز که خزانه نظام را لغو کردند ریشه نظام از این میناکت کنده شد بنده هیچ نمیتوانم تصدیق کنم وزارت جنگ که دارای شجاعت و تصمیمات متعدده است هر صاحبصنعتی توبره گدائی بر دارد و برود بیش فلان صندوقدار مملکت یا پیش فلان خزانه دار کل بنگانه اداره جهادیه که باید معاکمات و خزانه اش با خودش باشد وزارت جنگ است در همه جای دنیا معمول است خزانه و معاکم نظام بخلاف سایر دوائر مملکت و سایر وزارتخانه‌ها با خودش است معلوم است وزارت مالیه در این قبیل موارد همه جا حق کنترل دارد ولی اداره نظام باید خزانه دار علیحده داشته باشد مثلا تصویر فرمائید این اداره تعدد در جنس دارد يك خزانه داری از طرف شخص وزیر جنگ که مسئول مملکت است آنها را در دست داشته باشد و بحواله وزیر بپردازد چنانچه دیدیم هر وقت وزارت جنگ بواسطه اهمیت يك نقطه خواست يك قسمت یا يك عده را باموریت بفرستد نظر باینکه آن کسی که باید این پول را بدهد بنظر باتی نمیداد و سخته وارد میباید همین طریق در این چهار ساله ریشه نظام کنده شد و عقیده بنده بهترین نکته لایحه وزارت جنگ همین مسئله است واقعا اگر مملکت نظام و وزارت جنگ لازم دارد باید خزانه هم داشته باشد حالا این خزانه بکجا متنسب و مربوط باشد تصور میکنم از نقطه نظر اقتصاد و جریان امر باید جزو محاسبات کل چنانچه آن دقمه عرض کردم در تحت نظر مستقیم و مسؤلیت شخص وزیر جنگ خواهد بود اگر این خزانه جزو (آلتانداس) یعنی جزو تدارکات و مهمات باشد ممکن است بگفتری که رئیس این اداره است و باید یک فقره ملبوس تهیه کند و مهمات و چیزهای دیگر که لازمه قشون است تهیه کند از آن طرف حسب الحواله حقوق افراد را هم بدهد آنوقت شاید بعقیده خودش فلان پول را صرف تدارکات کند و برای حقوق فلان مأمور یا فلان قسمت پولی باقی نماند این است که عقیده بنده خزانه نظام باید یکجائی باشد که قسمت اداریش مربوط

**سردار معظم** - بنده هم تصور میکنم ضرری ندارد که شعبه نظام نوشته شود زیرا اینکه میفرمایند امروز يك سرریضخانه بیشتر نداریم صحیح است ولی متبذر ولایات سرریضخانه‌ها خواهیم داشت و هر نوجی برای خودش سرریضخانه و دو واخانه مخصوص خواهد داشت بنده نمیدانم چرا نباید اسمش را (اداره) گذاشت بجهت اینکه هر جا که يك عده قشون باشد باید شعبات این اداره باشد و البته اداره خیلی مفصلی خواهد بود

بنده هم تصور میکنم ضرری ندارد که شعبه نظام نوشته شود زیرا اینکه میفرمایند امروز يك سرریضخانه بیشتر نداریم صحیح است ولی متبذر ولایات سرریضخانه‌ها خواهیم داشت و هر نوجی برای خودش سرریضخانه و دو واخانه مخصوص خواهد داشت بنده نمیدانم چرا نباید اسمش را (اداره) گذاشت بجهت اینکه هر جا که يك عده قشون باشد باید شعبات این اداره باشد و البته اداره خیلی مفصلی خواهد بود

**حاج شیخ اسدالله** - اینکه آقای مغیر میفرمایند در ولایات شعبات برای سرریضخانه‌ها دارو واخانه های نظامی تأسیس میشود ما باید در این قانون بنظر تشکیلات مرکزی و اداراتی که در مرکز وزارت جنگ تأسیس و تشکیل میشود نگاه کنیم و اصطلاحاً اداره یکتأمیرا میگویند که دارای دوائر و شعب باشد بدان اینکه این اداره یعنی این چیزی که در مرکز تشکیل میشود دارای دوائر و شعب نباشد نمیشود او را اداره نامید و همچنانکه گفته شد صحیح نظام ذکر خود کافی است زیرا شعبه نظام در مرکز وزارت جنگ نباید دارای شعبه بشود که يك شعبه راجع سرریضخانه‌ها باشد و يك شعبه راجع بدواخانه و باید فقط شعبه نظام نوشته شود که درهما انجام مأمور سرریضخانه‌ها رسیده گی کنند و هم بدواخانه‌ها و ممکن است از همانجا بولایات هم دستور العمل های لازمه داده شود زیرا بعد از نظر اقتصادی که بنده دارم نباید يك شرح وسطی بوزارت جنگ داد که همان توسعه اسباب تمهیل کار شود بنابر این نظر اقتصادی را نباید از دست داد فقط بگوئیم میتوانم هر دو کار را رسیدگی کند و همان یکشعبه کافی است

**سردار معظم** - تصور میکنم اگر حضرت والا در اصل موضوع قدری دقت میفرمودند خودشان را بزراحت ستایش از لزوم سرریضخانه‌ها و کردارها هائیم انداختند بلکه اگر يك لایحه بودجه می آمد مجلس که در اینجا پیش بینی میکرد که دو صد نقطه از مملکت ایران سرریضخانه تأسیس شود تا آنکه از روز اول که سرباز داخل قشون میشود تا دم مرگ زهر دست طبیب باشد یکی از موافقین بنده بودم و اگر موضوع مذاکره این بود که در مملکت ایران صد دو واخانه ایجاد شود که افراد نظامی از بی دوائی نمیرند اول موافق بنده بودم ولی موضوع این مسئله نیست و چون ممکن است باز این مسئله مخلوط شود خیلی میل دارم قضیه تفکیک شود و برای آنکه در خارج سوء تفاهم نشود خیلی شمرده وبا صدای رسای بلند میگویم که موضوع مذاکره ایجاد سرریضخانهها و دو واخانه های نظامی نیست موضوع مذاکره قانون تشکیلات وزارت جنگ و ایجاد يك دایره است که باید صد هزار سرریضخانه یا يك سرریضخانه و صد هزار دو واخانه و یک دو واخانه داردارد کند بنابر این ممکن است این دایره یکصد هزار سرریضخانه را اداره کند و همچنین ممکن است يك سرریضخانه را اداره کند بش ممتدین بحدف دایره یا اداره از شعبه نظام هنوز اظهار عقیده در لزوم و عدم لزوم دو واخانه و سرریضخانه های نظامی نمیکند و نظر افراط و تفریط بعضی اشخاص هم که با من

نظر افراط و تفریطی میدانم زیرا تناسب و بضور تساوی نیست اگر بنظر آقایان که مخالفت فرمودند نظر اقتصادی است تعجب میکنم که چرا از برای محاسبات قائنات یا بنده شجاعت میشوند ولی بهمهات وزارت جنگی که دارای ذخیره و قورخانه و غیره است اهمیت نمیدهند و همچنین بخزانه و محاسبات که يك دایره است که در تحت اداره وزارت جنگ خیلی عالی و مرتب باشد و بهمان نسبت هم باید سرریضخانه و اداره صحیه اش مرتب باشد همچنانکه بعضی ادارات وزارت جنگ را قائل میشوند دارای شعبات باشد برای سایر دوائر هم باید بهمان نسبت قائل شود فرض کنید يك وزارت جنگ باین مقاماتی کماز برای او فرض شده انشاء الله دولت موفق

میشود گردها ها ر دیویزیون های مرتب و منظمی تشکیل بدهد البته باید این کردارها را دیویزیونها را دولت خجلی عالی و مرتب نگاه بدارد و مسلم است سرباز از روز اول که وارد سربازی میشود آخر عمرش زبردست طبیب است و بطیب بیشتر از صاحب منصب محتاج است برای اینکه در موقع انتخاب سرباز باید طبیب صحت مزاج و سایر ترئیات او را بشخصم کند اگر اینکار را نکنند ما نمی توانیم سرباز صحیح المزاج و کاری داشته باشیم زیرا همه ترئیات قوه نظامی بسته به انظمام اداره صحیه است شخص صحیح المزاج مشت نظام را میتواند متحمل شود بنابر این بعقیده بنده اگر بخواهیم نظام خوب داشته باشیم باید حفظالصحه او را از همه چیز بیشتر اهمیت بدهیم و باید مقام حفظالصحه را بالاتر از همه چیز بدانیم و به جزئیات حفظالصحه باید بیشتر از کار جزئیات اهمیت بدهیم بلکه بنده طرفدار این هستم که این دو سه چیز از قلم افتاده است مثلا مریضخانه‌ها که نوشته شده است باید مدرسه طبیه نظامی هم نوشته شده باشد که در آنجا اطبای نظامی تهیه کند حالا بعضی از آقایان که در نظر دارند اداره نباشد و میگویند زیاد است پس میفرمایند چه باشد دائره باشد؟ شعبه باشد؟ صحیه مطلق که صحیح نیست باید يك چیزی باشد که (شرارشی اداری) معلوم باشد اگر باید دائره باشد باید تصریح شود تا بنده هم نظریات خودم را عرض کنم باز هم تکرار میکنم اگر ما باز خوب میخواهیم باید صحیه خوب داشته باشیم زیرا که از اول سرباز گیری تا آن وقتیکه سرباز را دفن میکنند زیر دست طبیب است و باید طبیب خوب داشته باشد که تشخیص علل و امراض آنها را بتواند بدهد تا ما هم سربازهای صحیح المزاج خوب داشته باشیم

**سردار معظم** - تصور میکنم اگر حضرت والا در اصل موضوع قدری دقت میفرمودند خودشان را بزراحت ستایش از لزوم سرریضخانه‌ها و کردارها هائیم انداختند بلکه اگر يك لایحه بودجه می آمد مجلس که در اینجا پیش بینی میکرد که دو صد نقطه از مملکت ایران سرریضخانه تأسیس شود تا آنکه از روز اول که سرباز داخل قشون میشود تا دم مرگ زهر دست طبیب باشد یکی از موافقین بنده بودم و اگر موضوع مذاکره این بود که در مملکت ایران صد دو واخانه ایجاد شود که افراد نظامی از بی دوائی نمیرند اول موافق بنده بودم ولی موضوع این مسئله نیست و چون ممکن است باز این مسئله مخلوط شود خیلی میل دارم قضیه تفکیک شود و برای آنکه در خارج سوء تفاهم نشود خیلی شمرده وبا صدای رسای بلند میگویم که موضوع مذاکره ایجاد سرریضخانهها و دو واخانه های نظامی نیست موضوع مذاکره قانون تشکیلات وزارت جنگ و ایجاد يك دایره است که باید صد هزار سرریضخانه یا يك سرریضخانه و صد هزار دو واخانه و یک دو واخانه داردارد کند بنابر این ممکن است این دایره یکصد هزار سرریضخانه را اداره کند و همچنین ممکن است يك سرریضخانه را اداره کند بش ممتدین بحدف دایره یا اداره از شعبه نظام هنوز اظهار عقیده در لزوم و عدم لزوم دو واخانه و سرریضخانه های نظامی نمیکند و نظر افراط و تفریط بعضی اشخاص هم که با من

هم عقیده هستند در این مورد راجع سرریضخانه‌ها و دو واخانه‌ها نیست پس از ذکر اینتقمه و شروع به مطلب عرض میکنم در قانون موقتی ممکن است نظرها مختلف باشد و بعضیها ممکن است عقیده شان این باشد که قانون کتاب فلسفی نیست (چنانچه عقیده اکثر اهل دنیا هم همین است) و نباید چیزی را که هنوز موضوع خارجی ندارد نوشت مثلا امروز باید دید چقدر سرریضخانه نظامی و چقدر دو واخانه نظامی داریم بنده با يك دنیا نأسف میبینم که يك یا دو سرریضخانه و يك یا دو دو واخانه نظامی بیشتر نداریم بنده میبوسم آیا برای اداره کردن يك یا دو سرریضخانه و برای اداره کردن يك یا دو دو واخانه مقتضی است در وزارت جنگ يك اداره وسیعی تشکیل بدهیم درحالتی که سرریضخانه و دو واخانه های ولایات هم صورتش بد خواهد آمد و هیچ مربوط باین لایحه نیست این لایحه يك لایحه است که تاسیسات مرکزی را پیش بینی میکند پس از این نقطه نظر که نگاه کنیم همان صرفه جوئی که ما همیشه دانش را میزینیم با يك صد رسانی بنا حکم میکنند که ما ملاحظه همان صرفه جوئی را بنمائیم اساس کار در مملکت ما بصره جوئی است باید صرفه جوئی را مقدم بر همه چیز بدانیم و اینکه میگویند خزانه نظام از محاسبات جدا باشد برای این است که اگر یولی هم از خزانه نظام خارج میشود نباید آن اداره ر گونه ایوابجعی دارد خودش همانطور حساب را نگاه بدارد و باید آن حساب ایوابجعی با هم مخلوط نشود پس این هم باز از نقطه نظر صرفه جوئی است در اینصورت بنده عرض میکنم اداره که مخصوص بصعبه باشد و آن را سرریضخانه و دو واخانه تقسیم کنند لازم نیست و گمان میکنم برای یکی دو سرریضخانه و يك دو واخانه يك شعبه صحیه کافی است

**سردار معظم** - بنده میدانم نمایندگان آن اشخاصی نیستند که آقای سردار معظم بخواهند با يك صدای رسای در فضای مجلس فریاد کنند که در خارج سوء تفاهم نشود بنده به آقای سردار معظم اطمینان میدهم که اظهارات ایشان بنا متکر بودن در اخواه و سرریضخانه های نظامی سوء تفاهم نخواهد شد بلکه آن اشخاصی که مطلب را دقت میکنند میدانند سوء تفاهم از جای دیگر است بنده که یکی از نمایندگانم تعجب میکنم که يك وقتی آقایان نظرشان به چیزهای موجودی امروز است مثلا میگویند دو دو واخانه نظامی و دو سرریضخانه نظامی بیشتر نداریم بنده هم میگویم هیچ نداریم کجا است آن قوجی که شما محاسبات و مهمات از برای سرریضخانهها و دو واخانه را از برای آن بزرگواران دارم که در قانون نظام رای دادند و اولین شرط سرباز را صحت مزاج مین کردند صحت مزاج را کی تشخیص میدهد؟ نه اینکه اداره صحیه کنیم و منحصر بسرریضخانه و دو واخانه موجود امروز بکنیم اگر يك وزارت جنگ را که امروز میخواهد صد هزار قشون تهیه کند و صد هزار آن را در تهران حاضر بکند در نظر پیارویم آیا مطابق آن قانون که چند روز پیش رای دادیم اولین شرط سرباز این است که صحت مزاج داشته باشد یا حفظالصحه را

اداره صحبه و اطباء نظامی تشخيص ميدهند يا رئيس محاسبات تشخيص ميدهد؟ البته اداره صحبه اداره لازمی است و از تمام ادارات درجه جا اهميتش زيادتر است باز هم تکرار ميکنم آن اداره صحبه که بنده ميگويم و چون متاسفانه بنده قوانين اکثر عالم را نميدانم فقط يك مختصر اطلاعات و معلوماتي دارم و تا بحال هم اين مسئله را در مجلس عرض نکرده ام و نميگويم اکثر عالم يا تمام دنيا چنين است چون اطلاعات بنده محدود است و اطلاعات سايرين غير محدود بنا بر اين موافق فکر خودم واز روی اطلاعاتي که دارم و از روی آن قانوني که آنروز رأي داديم ميگويم اگر بخواهيم سر باز بگيريم بايد صحيح المزاج باشد و بايد اداره صحبه منظم و مرتبي داشته باشيم زيرا اگر زمان صلح باشد اداره صحبه لازم است اگر زمان جنگ باشد اداره صحبه لازم است و بنظر بنده تکميل اداره صحبه از براي نظام اهميتش از هر چيز زيادتر است دفته سيم است که باز تکرار ميکنم سر باز صحيح المزاج ميتواند کارهاي شاقه نظامي را بکند و الا سر باز هليل و ضعيف و داراي امراض مختلفه نمي تواند هيچ کاري بکنند در اين صورت بايد اداره صحبه همين طور بکند در اين ماده نوشته شده است باشد و يکفندي بيشتر بآن اهميت داده شود و بايد يك فندري آنها بهتر نگاهداري کنيم تا حقيقتا اگر بولي مصرف ميکنيم سر بازهاي رشيد صحيح المزاج داشته باشيم نه اشخاص مسول داراي امراض ديگر اينهم نميشود مگر اينکه اداره صحبه داشته باشيم و آنها شعبات زياد داشته باشد .

**رئيس** - مذاكرات در فقره پنجم كافي است يا كافي نيست ؟

**سردار معظم** - اظهارات بنده سوء تفسير شده است اجازه ميفرمايد ؟

**رئيس** - بفرمايد .

**سردار معظم** - باز هم در دفته دوم تکرار ميکنم و توضيح ميدهم که کمال موافقت را با حضرت والا ميداشتم اگر مذاکره در موضوع بودجه بود **رئيس** - اين توضيح نيست اگر عقیده جنابمالي را طور ديگر تفسير کرده اند ميتوانيد اظهار كنيد

**سردار معظم** - چنانچه عرض کردم بنده کاملا موافق هستم در اينکه سر باز بايد صحيح المزاج باشد ولي عرض کردم دائره با اداره صحبه نظمي که در وزارت جنگ تشکيل بشود چون ممکن است رئيس يکنفر غير ملتب باشد لهذا رفع احتياج ما را نميکند و اين احتياج بتوسط ايجاد مريض خانه ها رفع مي شود .

**رئيس** - در هر صورت گويي مذاكرات كافي است در فقره ششم هم مخالفی نيست دو فقره پيشنهاده رسیده است يکي از طرف آقای سردار معظم و ديگري از طرف آقای مدحت السلطنه قرائت ميشود اگر قابل توجه شد بکميسیون رجوع ميشود آقای سردار معظم ماده الحاقيه هم که ماده دوم می شود خوانده شود .

**سردار معظم** - بله اين ماده اول است منتها بدو ماده تقسيم شده .

( پيشنهاده آقای سردار معظم بمضمون ذيل قرائت شد )

پيشنهاده ميکنم ماده اول بشرح ذيل اصلاح و يك ماده الحاقيه اضافه شود .

ماده اول - وزارت جنگ به تقسيمات مرکزي ذيل منقسم ميگردد .

۱ - دايره وزارتي مشتمل بر وزير و معاون وزارت خانه و يامدير کل و کابينه وزير .

۲ - اداره نظام .

۳ - اداره مهمات .

۴ - اداره محاسبات .

۵ - صحبه نظام .

۶ - محاکمات نظامي .

ماده الحاقيه - کابينه وزير بشعبه تحريريه و شعبه پرسنل اداره نظام بشعبه مکاتبات نظامي و تعليمات همومي و شعبه توپخانه و شعبه بياده نظام و شعبه سواره نظام اداره مهمات بشعبه قورخانه و شعبه ذخيره و شعبه تدارکات اداره محاسبات و شعبه خزانه نظام .

پيشنهاده آقای مدحت السلطنه بنده پيشنهاده ميکنم که خزانه نظام از اداره محاسبات مجزا شده و تحت مدير و اداره هليجده اداره شود .

**رئيس** - آي سردار معظم توضيحي داريد ؟

**سردار معظم** - توضيح همان است که عرض کردم يك قسمت اين پيشنهاده بنده اصلاح عبارتي است بجهت اينکه در اين قانون نوشته شده است دائره وزارتي عبارت است از کابينه وزير و آنها بدو شعبه منشعب ميشود که شعبه تحريريه و شعبه پرسنل باشد و معلوم نميشود خود وزير و معاونش جزو کدام اداره هستند و همچنين چون اين قانون راجع بتشکيلات مرکزي است بايد کلمه ( مرکزي ) در فوق اضافه شود و علاوه همچنانکه در تشکيلات وزارت مالیه و تشکيلات وزارت معارف هم گفته شده است در اينجا هم بايد نوشته شود دائره وزارتي هم مشتمل است بر وزير و معاون يامدير کل پس از آن بايد آن تقسيماتي که در ماده اول ذکر شده است بدو قسمت منقسم شود به قسمت کلي در يك ماده نوشته شود و تقسيمات جزئي داخلي اداره در ماده ديگري ذکر شود بنا بر اين بنده تصور ميکنم بهتر اين است اين مسئله را بکميسیون ارجاع فرمائيد که در اينجا اصلاح شود

**رئيس** - آقای مخبر چه ميفرمايد

**مخبر** - رأي بگيريد

**سردار معظم** - پس بنده سؤال ميکنم اگر اين پيشنهاده در وقت وزير جنگ و معاونش در جزو کدام اداره خواهد بود

**مخبر** - چون اين پيشنهاده مفصل است بنده نمي توانم باین ترتيب قبول کنم ولي اگر فقط همان فقط مرکزي يا مسئله وزير جنگ و معاون بود قبول ميگردد ولي اين پيشنهاده بکلي اسکت اين قانون را بهم ميزند

**سردار معظم** - پس استدعا ميکنم رأي بگيريد .

**رئيس** - آقا ياني که با اصلاح آقای سردار معظم موافقت و قابل توجه ميدانند قيام نمايند .

( عده قلبی قيام نمودند )

**رئيس** - قابل توجه نشد اصلاح آقای مدحت-

السلطنه هم يکدفعه ديگر خوانده مي شود و توضيح ميدهند ( مجدداً قرائت شد )

**مدحت السلطنه** - مقصود بنده از اين پيشنهاده اين بود که چون خزانه نظام يك اداره همومي است و مبلغ زيادي پول در آن خزانه وارد ميشود با احتمال اگر در تحت يك اداره محاسبات باشد و پول و محاسبات هر دو در دست يکنفر باشد ممکن است هزار قسم حيف و ميل شود لهذا اين پيشنهاده را کردم اگر آقای مخبر قبول ميکنند الا چون ميبينم نظر شخصي در مجلس هست پيشنهاده خودم را پس ميگيرم .

**رئيس** - نيشود گفت نظر شخصي در کار است و پيشنهاده اي که ميشود حتماً بايد قابل توجه شود .

**مخبر** - بنده تصور نميکنم در اينجا نظر شخصي يا مطلب شخصي در کار باشد و البته نمائندگان هر پيشنهاده اي را عقیده نداشته باشند رأي نخواهند داد

**رئيس** - حالا اين پيشنهاده را قبول داريد يا خير ؟

**مخبر** - عرض کردم کميسیون قبول نميکند .

**رئيس** - پس رأي ميگيرم آقا ياني که اين اصلاح آقای مدحت السلطنه را قابل توجه ميدانند قيام نمايند .

( عده قلبی قيام نمودند )

**رئيس** - قابل توجه نشد - ماده دوم قرائت ميشود .

( بمضمون ذيل قرائت شد )

ماده دوم - ادارات مزبوره هر يك در تحت رياست يکنفر رئيس يا مدير کن بوده و بقدر لزوم اجزاء خواهند داشت .

**مدحت السلطنه** - در اينجا نوشته شده که هر يك از ادارات مزبوره داراي يکنفر رئيس يامدير کل خواهند بود بنده ميخواهم عرض کنم که مدير کل فقط در جائي لازم است که معاون نباشد چنانچه در ساير وزارت خانه ها هم معمول است لهذا تقاضا ميکنم لفظ ( کل ) از اين ماده حذف شود .

**رئيس** - آقای مخبر قبول دارند لفظ ( کل ) حذف شود .

**مخبر** - بله اصلاح ميشود .

**رئيس** - ديگر مخالفی نيست ماده سيم خوانده ميشود .

( بمضمون ذيل قرائت شد )

ماده سيم - رؤساء و مديران ادارات بر حسب تصويب وزير جنگ و بفرمان اعليحضرت همايوني برقرار ميشوند .

**رئيس** - در اين ماده مخالفی نيست ؟

**عدل الملک** - اينجا نوشته شده است ( بر حسب تصويب وزير جنگ ) عرض ميکنم تصويب درجه دوم پيشنهاده است اگر مقصودشان از کلمه تصويب در اينجا پيشنهاده است بايد اين کلمه تبديل به ( پيشنهاده ) شود زيرا چنانکه عرض کردم تصويب کلمه است در درجه دوم و بعد از پيشنهاده ( تصويب ) استعمال ميشود .

**رئيس** - آقای مخبر قبول ميفرمايند .

**مخبر** - بلي صحيح است .

**اديب السلطنه** - گمان ميکنم بايد همان لفظ تصويب باشد زيرا پيشنهاده را کسي خداهد کرد پيشنهاده در موقعی است که وزير جنگ بشود زيرا در

فرمانهم وقتي نوشته ميشود ميبويند به تصويب وزير جنگ .

**مهمسر الملک** - بنده گمان ميکنم در اينجا بايد ( بر حسب تعيين وزير جنگ ) نوشته شود .

**مخبر** - بياد بکميسیون اصلاح ميشود .

**عدل الملک** - بسيار خوب .

**رئيس** - ديگر ايرادي نيست ماده چهارم خوانده ميشود .

( بقرار ذيل قرائت شد )

ماده چهارم - مديران دواير و رؤساء شعبات و ساير امضاء ادارات و دوائر وزارت جنگ بتصويب رؤساء ادارات متبوعه و بحکم وزارتي منصوب ميشوند

**عدل الملک** - دو باره ياد آوري ميکنم که اين کلمه تصويب قسمت دوم پيشنهاده است و اگر بجای تصويب ( پيشنهاده ) نوشته شود اين اشکال کاملارفع ميشود زيرا اينجا کاملا جای پيشنهاده است و کلمه تصويب جا ندارد .

**رئيس** - آقای مخبر قبول ميفرمايد .

**مخبر** - بلي اين همان لفظ است فرق نميکند بياد بکميسیون .

**رئيس** - اينهم بکميسیون ميرود ماده پنجم خوانده ميشود .

( بمضمون ذيل خوانده شد )

ماده پنجم وزير جنگ نظامنامه وظيفات ادارات و دوائر قشوني را تهيه کرده بعد از تصويب هيئت دولت و فرمان اعليحضرت همايوني بموقع اجرا خواهد گذاشت .

**رئيس** - در اين ماده مخالفی نيست ؟

( مخالفتي نشد و عبارت ذيل خوانده شد )

ماده ششم حذف شد و بايد جزء بودجه شود

**رئيس** - ماده ششم پيشنهاده دولت است .

**مخبر** - بلي ماده ششم معلق بود باینکه در مرکز يك باب مدرسه نظام دائر شود در کميسیون مذاکره شد که دائر شدن يك مدرسه نظامي در مرکز مربوط بقانون تشکيلات وزارت جنگ نيست و راجع به بودجه است که بايد بمجلس پيشنهاده شود و همينقدر که بودجه از مجلس گذشت يکي دو باب يا هر چه لازم باشد مدرسه نظامي دائر خواهد شد

باين جهت ماده ششم که در لايحه تشکيلات وزارت جنگ بود در کميسیون حذف شد در ماده ديگر هم که ماده هفتم بود معين کرده بودند يك همدواز قشون دو مرکز و بعضي نقاط حاضر کنند چون آنها مربوط بقانون تشکيلات نبود حذف شد .

**رئيس** - در ماده ششم کميسیون که نوشته اند وزير جنگ مأمور اجراء اين قانون است مخالفی هست يا نيست ؟

**آصف الملک** - اين مطلب معين است که هر قانوني را مجلس بايد تصويب بکند بنا بر اين در اول ماده که نوشته شده ( پس از تصويب مجلس ) بگر ذکرش لازم نيست فقط بايد نوشته شود وزير جنگ مأمور اجراء اين قانون است .

**رئيس** - اينهم بياد بکميسیون ؟

**مخبر** - بلي اين مطلب عيناً از لايحه وزارت جنگ نقل شده است اينهم در کميسیون اصلاح ميشود .

**رئيس** - دمه دقيقه تنفس داده ميشود .

( در اين موقع هموم حضار براي تنفس خارج شده پس چند دقيقه ختم جلسه اعلان شد )

